



# زیست مؤمنانه و اقتصاد مقاومتی

واکاوی تأثیر سبک زندگی اسلامی بر روند اقتصاد مقاومتی در جامعه ایرانی

تحقق اقتصاد مقاوم و مستحکم در هر جامعه، نیازمند سبک زندگی متناسب با ارزش‌های اقتصادی حاکم بر آن جامعه است و از آنجا که در جوامع اسلامی، میان اقتصاد و نحوه زندگی فردی و جمعی افراد، ارتباط وثیقی وجود دارد، سبک زندگی اسلامی یکی از مهم‌ترین بخش‌های تأثیرگذار بر اقتصاد مقاومتی خواهد بود که بی‌توجهی به آن، سبب آسیب‌های جدی بر اقتصاد ملی خواهد شد. اگر سبک زندگی بر قرآن و ارزش‌های اسلامی مبتنی باشد، منجر به شکل‌گیری یک اقتصاد مقاوم و قوی خواهد شد. لاجرم، استحکام ساخت درونی اقتصاد ملی ناشی از زیست مؤمنانه است و مؤلفه‌هایی نظیر تقواگرایی، زهد، عدم مصرف‌زدگی، ایمان به وعده‌های الهی و اتکا به قدرت لایزال الهی، دوری از آفت‌های اقتصاد اسلامی (نظیر ربا، احتکار، کم‌فروشی، زیاده‌خواهی، تجاوز به حقوق یتیمان و...) اقتصاد را مقاوم می‌سازد و ضمن ارتقای قدرت ملی، کشور را در برابر تکانه‌های اقتصاد بین‌الملل و تهدیدات اقتصادی تحمیلی دشمنان نیز ایمن می‌سازد.



به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی ایران، «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم. باید تلاش کنیم... آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین المللی هم دنبالش هست. همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت» (رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

هر مکتب و ایدئولوژی برای خود، یک سلسله اصول برای زندگی دارد. ارزش های حاکم بر جامعه، به شهروندان می آموزند که باید چه کاری را انجام دهند و بیانگر باورهای رایج آن ها نسبت به مسائل متنوعی - چون اجتماع، فرهنگ و امور اقتصادی - هستند. در این میان، اهمیت سبک زندگی به حدی است که تحقق تمدن نوین اسلامی بدون آن امکان پذیر نیست و ناقص خواهد ماند و در صورت گفتمان سازی و عملیاتی کردن آن، جامعه و شهروندان با پویایی بیشتری به فعالیت و تدبیر امور خواهند پرداخت. مکتب اسلام از چنان بستر مناسبی برخوردار است که تمامی نیازها و حوائج بشری را در خود نهادینه دارد و فقط باید آن ها را استخراج نمود. اسلام برخلاف سبک زندگی غربی، به دو ساحت مادی و روحانی توجه دارد (قربی، ۱۳۹۲: ۶۳).

لاجرم، پیشرفت اقتصادی و مقاومت سازی اقتصاد ارتباط تنگاتنگی با شیوه زیستن دارد که بخش حقیقی تمدن اسلامی است: «پیشرفت، حرکت است، راه است، صیورت است، اما متوقف شدنی نیست و همین طور ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، چون استعداد های بشری حد یقف ندارد. گفتیم پیشرفت دارای ابعادی است و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است. یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی، عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن. این یک بُعد مهم است. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت دهیم. اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین، مسئله، مسئله اساسی و مهمی است. ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم، بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد. این جور بگویم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این محاسبه درستی است.

این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است. بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است، وسیله است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه. این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است» (رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ با تلخیص).

دین اسلام برای تعالی و کمال انسان‌ها آمده است و برای رشد و ترقی اقتصادی، باید دین اسلام در اقتصاد، سیاست و فرهنگ حضور داشته باشد و تفکیک دین از زندگی مادی انسان‌ها، بی‌برکتی را دامن خواهد زد و مصیبت‌ها و تلخی‌های زیادی را بر انسان‌ها روا می‌دارد. در این راستا، سعادت حقیقی انسان‌ها در گرو زندگی منطبق با معیارها، اصول و معارف اسلامی است. البته انتخاب سبک زندگی در مسیر گام نهادن به سمت پیشرفت، باید با ایمان همراه باشد. انتخاب مسیر زندگی متناسب با اهداف ترسیم شده، باید همراه با ایمان به آن روش و منش باشد. «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم، هدف زندگی را به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید

ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئلهٔ ایمان، مهم است؛ ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

در این راستا، ایمان به ارزش‌های الهی و اسلامی، نوع سبک زندگی و زیست مؤنانهٔ متناسب با الگوهای اقتصادی را مشخص می‌نماید (به تعبیر نگارنده، کتاب «فقر و زهد»). شک نیست

سعادت انسان و حیات روحی و

قدر و منزلت او بر پایهٔ معیارهای

اسلامی، به اصول و قواعد و معارف

بستگی دارد که از کتاب خدا و سنت

پیامبر گرفته شده‌است و دین اسلام

می‌تواند این هدف‌ها را تأمین، و بشر

را به سوی زندگی سعادت‌مند و والا و

رستگاری جاوید رهبری کند. بعثت

زیست مؤنانه ضمن ارتقای قدرت ملی، کشور را در برابر تکانه‌های اقتصاد بین‌الملل و تهدیدات اقتصادی تحمیلی دشمنان، ایمن می‌سازد.

خاتم پیامبران، مکارم اخلاق را به کمال رسانده و راه‌های خوش‌بختی را شناسانده‌است و بشر را به

سوی صلح و سلامت و سعادت دعوت می‌کند. دانش، آدمی را به سوی حق، رهنمون، و او را به

صراط مستقیم و راه روشن دعوت می‌کند و به اعتدال فرا می‌خواند و به طریق صدق و عدل رهبری

می‌کند (علی دوست، ۱۳۹۴: ۵).

در عین حال، تجربهٔ تقلیدگرایی از سبک زندگی غربی نشان می‌دهد که این الگو با الگوی اسلامی

پیشرفت هم‌خوانی ندارد و ناکامی‌های جدی را در عرصهٔ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به همراه

داشته‌است، و به همین دلیل، «باید تجربهٔ تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و

رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد.

کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولت‌های مستکبر، به آفات

مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق

و عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی دچار شدند و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای

افتخارآنگیز در همهٔ این عرصه‌ها برخوردار بود» (رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). پس رسیدن به

موفقیت‌ها و تعالی اقتصادی نیازمند بازسازی سبک زندگی است؛ به گونه‌ای که زیست مؤمنانه و متکی بر آموزه‌های قرآنی در جامعه حاکم شود.

### بایسته‌های مفهومی سبک زندگی

سبک زندگی مصرفی در دنیای مدرن امروز، بخشی اساسی و جدایی‌ناپذیر در ساخت جامعه و معیاری برای نشان دادن هویت‌ها، پایگاه اجتماعی، اعمال و افکار افراد گردیده است. از این رو، واژه «سبک زندگی» که در ادبیات امروزی به مثابه واژه‌ای کلیدی مطرح شده است، از نظر لغوی و موارد کاربرد، گستره وسیعی را دربر می‌گیرد؛

یعنی از رفتارهای خاصی که هر فرد برای زندگی خود برمی‌گزیند، تارفتارهای خانوادگی، فامیلی، محلی، شهری، کشوری و بین‌الملل، به همه قابل اطلاق است. از این منظر، می‌توان سبک زندگی را ویژگی‌های رفتاری انسان تعریف کرد و بر اساس اختلاف این ویژگی‌ها، تعدد سبک‌ها را در نظر گرفت.

این ویژگی‌ها از دیدگاه‌های مختلف، قابل تقسیم به اشکال مختلف است. گستره این تقسیم‌بندی، سبک زندگی فردی، خانوادگی، گروه خاص، افراد یک شهر یا منطقه و زندگی‌های بین‌المللی را شامل می‌شود. شایسته است در مردم‌شناسی، به صورت توصیفی به بیان این مسائل پردازند. اینکه ساکنان هر منطقه چه ویژگی‌های رفتاری دارند، خودبه‌خود بار ارزشی مثبت یا منفی ندارد. این یک نوع تقسیم‌بندی به لحاظ گستره متعلق است. نوع دیگر تقسیم‌بندی از نظر عواملی است که در این ویژگی‌ها مؤثر است. گاهی عوامل طبیعی، اقلیمی و جغرافیایی - مانند نوع آب و هوا یا غذاها یا لباس و عوامل اجتماعی و تاریخی - در آن مؤثر است. در نهایت، عوامل فرهنگی - یا به تعبیر دیگر، عوامل ارزشی - منشأ این تقسیم‌بندی می‌شود؛ یعنی روش‌های زندگی جوامع مختلف را



ارزش‌گذاری، و بر این اساس خوب یا بد بودن کاری را مشخص می‌کنند که نتیجه آن، انتخاب روش خوب است.

اینکه پسوند «اسلامی» به سبک زندگی افزوده می‌شود، بدان معناست که معیار سنجش آن، ارزش‌های اسلامی است. پس واژه «سبک زندگی اسلامی» (نک: شریفی، ۱۳۹۲؛ فاضل قانع، ۱۳۹۲) می‌تواند متضمن این ویژگی باشد که فرد، مورد نظر نیست، بلکه منظور، یک رفتار جمعی و اجتماعی است.

در مسائل اجتماعی نیز همه افراد ملحوظ نیستند و معمولاً روش رایج در جامعه بررسی می‌شود. البته چه بسا استثناهایی نیز وجود داشته باشد یا بخش زیادی از جامعه این روش را نداشته باشند. این نیز ویژگی بحث‌های اجتماعی است. واژه «اسلامی» نیز تصریح دارد که باید از دیدگاه ارزشی به مسئله بنگریم و بررسی ما صرفاً توصیفی نیست. هدف ما این است که روشن سازیم باید چه نوع زندگی‌ای داشته باشیم و چه سبکی غلط است که از آن دوری کنیم. البته معیار ارزش‌یابی ما

ارزش‌های اسلامی است. پس، هدف این است که یک نوع ارزش‌یابی از رفتارهای رایج در جامعه، برای روشن شدن وضعیت فعلی داشته باشیم. از سوی دیگر، باید ضوابط ارزش‌یابی اسلامی را در نظر داشته باشیم که آن نیز متدولوژی خاص خود را دارد. اینکه ارزش‌ها و سبک زندگی موجود چگونه است، باید از نظر جامعه‌شناختی و روش خاص خود، مشخص شود. اما برای اینکه بدانیم ارزش‌های اسلامی به مثابه معیار سنجش، چیست، باید اسلام و ارزش‌های اسلامی را بشناسیم و این دورا با هم تطبیق دهیم، که آیا آنچه رایج است با سبک زندگی اسلامی - یعنی با ارزش‌هایی که اسلام در رفتار معتبر می‌داند - مطابقت دارد یا ندارد. آن‌گاه، برای اصلاح بخشی که تطابق ندارد باید چاره‌جویی شود، که چه کنیم مردم به سمت زندگی اسلامی حرکت، و کمبودهایشان را جبران کنند (مصباح، ۱۳۹۲: ۵-۶). از این رو، در حوزه مطالعات فرهنگی، سبک زندگی به «مجموعه رفتارها و الگوهای کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد» اطلاق می‌شود که نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است (حاجیان، ۱۳۸۶: ۷-۸).

در جامعه‌شناسی و ادبیات رایج غربی، لیزر در سال ۱۹۶۳ م. سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف کرد. به نظر وی، سبک زندگی دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی

سبک زندگی  
مصرفی در دنیای  
مدرن امروز،  
بخش اساسی  
و جدایی ناپذیر  
ساخت جامعه و  
معیار نشان دادن  
پایگاه اجتماعی  
افراد شده است.



است. شیوه‌ای که بدان طریق، مصرف‌کننده خرید می‌کند و کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است. لیزر در یک جا سبک زندگی را «طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم» معرفی می‌کند؛ نظامی که از تأثیر ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین بر نیروهای زندگی در گروه شکل می‌گیرد. او با توجه به تمرکز بر موضوع بازاریابی، در جای دیگر، سبک زندگی را «الگوی رفتاری گروهی می‌داند که در خریدهای مصرف‌کننده انبوه و روش‌های مصرف انعکاس یافته است.» سوبل نیز تأکید می‌کند که الگوی مصرف مشاهده‌شونده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است. لامونت و همکارانش نیز ضمن تأکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند.

زیمل در مورد سبک زندگی و معنای آن معتقد است که سبک زندگی، تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی، یا به تعبیری، فردیت برتر خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران است. به عبارت دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، شکل (صورت)‌های رفتاری را برمی‌گزیند. زیمل، توان چنین گزینشی را «سلیقه»، و این اشکال به هم مرتبط را سبک زندگی

می‌نامد، و در تعریفی دیگر بیان می‌دارد: «سبک زندگی، عینیت‌بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته‌شده اجتماعی است؛ نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگری (یا دیگران) این یکتایی را درک کنند.»

با این اوصاف، سبک زندگی کلّ به هم پیوسته صورت‌هایی است که افراد یک جامعه، مطابق انگیزه‌های درونی و سلايق خودشان و به واسطه تلاشى که برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی‌شان به انجام می‌رسانند، برای زندگی خود برمی‌گزینند. و بلن، سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادت اجتماعی و روش‌های فکری‌اند. وی در جای دیگر، سبک زندگی فرد را «تجلی رفتار سازوکار روحی، عادات فکری و معرفت او» قلمداد می‌کند. از دیدگاه وی، افراد با به نمایش گذاشتن نوع پوشش، آرایش و زیورآلات، سبک زندگی خویش را از سایرین متمایز می‌کنند. کلاکهن سبک زندگی را «مجموعه‌های الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه‌یافته‌تر حیحات فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده» می‌داند. ماکس وبر سبک زندگی را شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی می‌داند که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت‌اند (حسن دوست فرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۵).



«لیزر» سبک  
زندگی را بر اساس  
الگوی خرید کالا  
تعریف کرد.



سولومون (۱۹۹۴) بر این باور است که هر جامعه دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. در واقع، سبک زندگی، فعل و انفعالات فرد را در محیط اجتماعی نشان می‌دهد. به زعم وی، در جوامع سنتی، انتخاب‌های مبتنی بر مصرف، به شکل گسترده بر اساس طبقه و کاست محیط روستایی یا خانواده تعیین می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن، مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها، خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود، هویت اجتماعی آنان را خلق می‌کنند. از سوی دیگر، سبک زندگی از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس، تاسرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات دیگر، همگی را شامل می‌شود، و همه این‌ها مفاهیمی همچون مُد و سبک را تداعی می‌کند. در واقع، از نظر برگر، سبک زندگی مُد یا حالت زندگی فرد است.

همچنین، چنی (۱۹۹۶) سبک زندگی را الگویی از عمل و تفاوت بین مردم عادی در اجتماع می‌داند. از دید وی، سبک زندگی یک شیوه، یک حالت یا یک نوع استفاده از غذاهای خاص و همچنین مکان و زمان خاص است. از دیدگاه پیر بوردیو، ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوت را ایجاد می‌کنند. بنابراین، سبک زندگی محصول نظام منسب است که از خلال رابطه دوجانبه خود با رویه‌های منسب درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامعه‌ای، مورد ارزیابی قرار گیرد. چنان که بوردیو اشاره می‌کند، مصرف به منزله نظامی از نشانه‌ها و نمادهاست که کارکردهایی همچون تمایزگذاری اجتماعی دارد. البته به نظر بوردیو، معنای آن از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست.

در بحث بوردیو، مصرف همانند پاسخ به نیازهای زیستی مطرح نمی‌شود؛ بلکه مصرف به منزله استفاده از نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است که البته خود این نشانه‌ها و نمادها از خلال فرایند مصرف، تولید می‌شوند. آنتونی گیدنز بر این باور است که سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان، ممکن می‌سازد (۱). از این منظر، سبک زندگی اساساً به معانی نمادین محصولات توجه دارد؛ یعنی آنچه در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است. به عقیده گیدنز، سبک زندگی تلاشی برای شناخت مجموعه منتظمی از رفتارها یا الگوهای کنش افراد است که افراد آن‌ها را انتخاب کرده‌اند و کنششان در زندگی روزمره، به واسطه آن‌ها هدایت می‌شود. گیدنز بر این باور است که سبک‌های زندگی کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند؛

جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن و شیوه‌های کنش در محیط دل‌خواه برای ملاقات کردن با دیگران، جلوه می‌کنند. در عین حال، وی یادآور می‌شود که چنین رفتارهایی بازتاب‌دهنده هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند (حسن‌دوست فرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶). در کتاب «مصرف و سبک زندگی»، در باب سبک زندگی آمده است: «طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد، و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگرچه، محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود» (فاضلی، ۱۳۸۲). به یک معنا، سبک زندگی به مثابه مجموعه منسجمی از انتخاب‌ها، ترجیحات و رفتارهای مصرف‌گرایانه است (خادمیان، ۱۳۹۰).

سبک زندگی دارای سه بُعد رفتاری، نگرشی و ترجیحات، و انگیزه مصرف است (مجدی، ۱۳۸۹: چکیده) که به مثابه الگو یا مجموعه کنش‌ها یا رفتارهای ترجیحی، با دین - به عنوان جوهر فرهنگ و عمیق‌ترین و باثبات‌ترین لایه فرهنگ - در ارتباط است. به عبارت دیگر، دین و سبک زندگی با مسائل کلیدی و حساس حیات بشری - همچون مسئله هویت و رفتار فردی و اجتماعی و فعلیت بخشی به قدرت تشخیص و انتخاب انسانی - پیوند وثیقی یافته است (نک: مهدوی‌کنی، ۱۳۹۰؛ الفت و سالمی، ۱۳۹۰). بنابراین، در برداشت دینی از سبک زندگی، تعریفی که از آن ارائه می‌شود بر حسب نگاهی که به انسان وجود دارد، متفاوت خواهد بود، و نوع نگاه به انسان نیز خود در درجه اول، منبعث از نوع نگاه و جهانی‌بینی است که مکتب و آیین رایج در جامعه ارائه می‌دهد، و در درجه دوم، ناشی از شناختی است که خود انسان از کارکردها، ویژگی، شاخص‌ها، فلسفه (وجودی) و اهداف خویش، از مبحث سبک زندگی انتظار دارد (ولی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴؛ نک: کاویانی، ۱۳۹۲).

بر اساس چنین بینشی، می‌توان اذعان داشت که سبک زندگی، آن‌گونه رفتارهای ظاهری و بیرونی است که به جامعه هویت می‌دهد و برخاسته از نظام ارزش‌ها (ایدئولوژی) و باورها (جهان‌بینی) افراد آن جامعه است. با توجه به اینکه مردم کشور جمهوری اسلامی ایران مسلمان‌اند و در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم، سبک زندگی ایرانیان باید برخاسته از جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه باشد (بنی‌اسدی، ۱۳۹۳: چکیده؛ نک: آزادارمکی، ۱۳۹۱: ۱۵-۳۴). به تعبیر آیت‌الله

کاشانی: «هیچ کاری از شما پیشرفت نمی‌کند؛ مگر اینکه زندگی خود را بر پایه قرآن استوار کنید» (محمدی، ۱۳۷۳: ۷۴؛ به نقل از: عابدی، ۱۳۷۹: ۷۱).

امام علی (ع) در کتاب «نهج البلاغه»، بهترین و کامل‌ترین مهارت‌های زندگی و سبک زندگی اسلامی را به مخاطبان خود آموزش می‌دهد. در نهج البلاغه، در سخنان گهربار امام علی (ع)، مکرراً به فراگیری ارزش‌های والای اسلامی در مهارت‌های زندگی اشاره شده است. در نظر امام علی (ع)، نداشتن مهارت‌های زندگی متناسب با الگوی زیست اسلامی، با نابودی و جهالت ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین، کسب این مهارت در زندگی از دیدگاه امام علی (ع) ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از دیدگاه نهج البلاغه، مهارت‌های زندگی در سه بُعد فردی، خانوادگی - اجتماعی و اقتصادی - سیاسی، باید مد نظر قرار گیرد. از منظر نهج البلاغه، نداشتن مهارت‌های زندگی، زمینه نابودی شخص را فراهم می‌کند؛ در صورتی که براساس آموزه‌های نهج البلاغه، می‌توان با اتخاذ تصمیمات مناسب و خلاقانه و پذیرش سبک زندگی متناسب با آموزه‌های اسلامی، آینده خود را تضمین کرد و از هر اشتباه و لغزش، به دور ماند (البیلاوی، ۱۳۹۳؛ نک: قدیری، بی‌تا). به هر رو، برای دریافت بهتر مفهوم سبک زندگی، بهتر است که ویژگی‌های آن را مورد بررسی قرار دهیم:

الف) سبک زندگی، ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است؛ رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی مصرّح و آگاهانه یا غیر مصرّح و نیمه‌آگاهانه در فلسفه حیات است. اینکه شخص بندگی خاصی را آرزو می‌کند یا زندگی خاصی را به مسخره می‌گیرد و به شدت و نقد می‌کند، نشان‌دهنده نظام ارزشی اوست و در انتخاب سبک زندگی بسیار تأثیرگذار است. سبک زندگی را نمی‌توان از باورها و ارزش‌ها بریده دانست. ظواهر زندگی، حاصل آن باورها و پسندهاست.



به عقیده آنتونی گیدنز، سبک زندگی، روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگ مادی است.

ب) مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به یک حد نصاب انسجام و همبستگی برسند و هم‌خوانی و تناسب داشته باشند. مجموعه‌ای درهم از مدل‌های کنار هم چیده شده بدون هم‌خوانی و تناسب درونی و بیرونی، سبک زندگی نیست؛ مثلاً، نظام ارتباطی باید با نظام معیشتی، نظام اعتقادی، نظام فرهنگی و نظام مصرف تناسب داشته باشد. این تناسب باید قدری پایدار بماند. انسجام موقت که تحت تأثیر جو اجتماعی خیلی زود از بین برود، سبک زندگی را پدید نمی‌آورد؛ مثلاً نوجوانی که هنوز شاکله هویت فکری، فرهنگی، اجتماعی اش کامل نشده و به درستی شکل نگرفته و رفتارهای متنوعی دارد، دارای یک سبک زندگی مشخص نیست.

سبک زندگی دارای سه بُعد رفتاری، نگرشی [و ترجیحات] و انگیزه مصرف است.

پ) در پدید آمدن سبک زندگی، اکثر عناصر اختیاری‌اند. اگر فردی در یک اردوگاه کار اجباری یا در اسارت و تحت فشار بیرونی، مجبور به رفتار بر اساس نوع خاصی از زیستن شود، سبک زندگی ندارد. سبک زندگی باید انتخاب شود و شخص فعالانه در تعریف و چیش و معماری آن، بر اساس نظام اعتقادی و ارزش‌های مشارکت داشته باشد. البته رسانه‌ها دائماً تصویرهای جدید از سبک زندگی را منتشر می‌کنند و ذهن‌ها و دل‌ها را برای انتخاب آن برمی‌انگیزند.

ت) سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است؛ زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است؛ نوعی طراحی است که می‌توان آن را نقد کرد و می‌توان آن را در انداخت؛ گرچه شرایط اجتماعی ممکن است تغییر و تحول در سبک زندگی را بسیار دشوار کند.

ث) جز در دوران کودکی که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است، نمی‌توان انسانی را بدون آداب یا سبک زندگی تصور کرد. در حقیقت، هیچ‌کس بی‌ادب نیست؛ همان‌گونه که بی‌تربیت، بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت نیست. اگر انسان تحت تأدیب صحیح قرار نگیرد، بی‌ادب نمی‌شود؛ بلکه بدادب،

بدتریت و بدشخصیت می‌شود. اگر ما شکل خاصی از زندگی را با اراده و اختیار خود انتخاب نکنیم، ناخودآگاه در قالب‌های تعیین‌یافته محیط و جامعه قرار می‌گیریم. بنابراین، چه خوب است که آگاهانه و از سر اختیار، صورت زندگی خود را تعیین کنیم و اجازه ندهیم شرایط محیطی، رنگ شخصیت ما را عوض کند.

ج) سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می‌شود. پدیدارشناسان فرهنگی تأکید می‌کنند که سبک زندگی برای افراد، شخصیت می‌سازد؛ یعنی فرد، نوع هویتی خود را با نوع ارتباطات، نوع شغل، سبک مصرفی و سایر ظواهر انتخابی‌اش، معرفی می‌کند. از سوی دیگر، فرد بر اساس سبک زندگی (چیزی که می‌خورد و می‌پوشد، جایی که زندگی می‌کند، ماشینی که سوار می‌شود، کسانی که با آن‌ها حشر و نشر دارد و...) آرام‌آرام به رفتارهایی عادت می‌کند و

از درون، شکل می‌گیرد. این موضوع باعث می‌شود که نظام ارزشی خاصی نیز برایش درونی شود. تجزیه و تحلیل ما هم از شخصیت و هویت دیگران، تا اندازه‌ای به همین ظواهر وابسته است.

چ) سبک زندگی در نهایت، در سطح کلان اجتماعی، هم‌گرایی و واگرایی پدید می‌آورد. کسانی که سال‌ها مانند هم زیسته‌اند، آرام‌آرام مانند هم فکر می‌کنند و حساسیت‌ها و علاقه‌هایی مشترک خواهند داشت. این هم‌گرایی از پیش تعریف نشده، به موضع‌گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک قطب هم‌نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸-۳۵؛ به نقل از: صباحی، ۱۳۹۲).

## زیست مؤمنانه و اقتصاد اسلامی

هدف اصلی در جامعه اسلامی، تحقق زیست مؤمنانه و سبک زندگی مبتنی بر قرآن است. اگر چنین زیستی در جامعه نهادینه شود، اقتصاد اسلامی می‌تواند مستحکم‌تر گردد و از آفت‌ها و چالش‌های

اقتصادی دور بماند. با توجه به این استدلال است که رهبر انقلاب اسلامی بیان می‌دارند: «رسیدن به حقیقت قرآن، فراگرفتن معارف قرآن، شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه قرآن؛ هدف این هاست. اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز می‌کند، راه عزت را قرآن به روی ما باز می‌کند، راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز می‌کند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود، راه ما روشن‌تر خواهد بود. هدف، این است» (رهبری، ۱۳۸۰/۰۳/۹۲).

منطبق کردن سبک زندگی با قرآن کریم و آموزه‌های انسانی - الهی یکی از مسائل مورد توجه جمهوری اسلامی ایران است و اگر در عرصه چگونگی زیستن و معیشت، قرار به تقلید است، این تقلید نباید تقلید کورکورانه از زندگی و منش غربی باشد؛ بلکه باید تبعیت آگاهانه از هدایت الهی و قرآن کریم باشد و معیارهای زیست مبتنی بر اقتصاد مقاومتی هم باید از قرآن اتخاذ شوند. پس، «مسئله بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن. یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه ما و کشور ما به عمد ترویج کردند، ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آن‌ها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز این جور است. در حالی که قرآن به ما می‌آموزد: (وَإِن تَطْعَمُوا أَكْثَرَ مِنْ فِی الْأَرْضِ یَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا یَخْرُصُونَ). آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگیرد و اگر لازم بود از آن تقلید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ (صراط الذین انعمت علیهم؛) از خدای متعال می‌خواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند. این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد. اما اینکه حالا اکثریت مردم دنیا این جور حرف می‌زنند، این جور حرکت می‌کنند، این جور رفتار می‌کنند، ما باید عقل خودمان را، دین خودمان را، هدایت الهی را معیار قرار دهیم برای رد و قبول. امت مؤمن و مسلم آن امت و ملتی است که معیار را از قرآن می‌گیرد، از هدایت الهی می‌گیرد. این می‌شود معیار» (۱۳۸۰/۰۴/۹۲).

از این رو، اخلاق و دین و معنویت از عناصر حقیقی زندگی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند: «اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است. دنیا چیست؟ در این نگاه و با این تعبیر، دنیا عبارت است از انسان و جهان. زندگی انسان‌ها، تلاش انسان‌ها، خرد و دانایی انسان‌ها، حقوق انسان‌ها، وظایف و تکالیف انسان‌ها، صحنه سیاست انسان‌ها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه تربیت، صحنه عدالت، این‌ها همه میدان‌های زندگی است.

به این معنا، دنیا میدان اساسی و وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه عظیم و در این عرصه متنوع، به مجموعه تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این تعبیر و به این معنا از دنیا، از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. دین نمی‌تواند غیر از دنیا عرصه دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده دین، زیبایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح. دنیا یعنی محیط زندگی انسان؛ بدون دین، تبدیل می‌شود به قانون جنگل و محیط جنگلی و زندگی جنگلی. انسان در این صحنه عظیم باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. در صحنه زندگی، باید قدرت و زور مادی ملاک حقانیت به حساب نیاید.

در چنین صحنه‌ای، آنچه می‌تواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت، یعنی نابود کردن عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصت‌های زندگی انسان، به معنای نعمت‌های پراکنده در عرصه جهان، به معنای زیبایی‌ها و شیرینی‌ها، تلخی‌ها و مصیبت‌ها، وسیله رشد و تکامل انسان است. این‌ها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای اینکه انسان بتواند



آیت‌الله کاشانی: «هیچ کاری از شما پیشرفت نمی‌کند، مگر اینکه زندگی خود را بر پایه قرآن استوار کنید.»

راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. لذا دین و دنیا در منطق امام بزرگوار ما، مکمل و آمیخته و درهم تنیده با یکدیگر است و قابل تفکیک نیست. این، درست همان نقطه‌ای است که از آغاز حرکت امام تا امروز، بیشترین مقاومت و خصومت و عناد را از سوی دنیاداران و مستکبران برانگیخته است؛ کسانی که زندگی و حکومت و تلاش و ثروت آن‌ها مبتنی بر حذف دین و اخلاق و معنویت از جامعه است» (رهبری، ۱۴/۰۳/۸۴).

هدف اصلی در جامعه اسلامی،  
تحقق زیست مؤمنانه و سبک  
زندگی مبتنی بر قرآن است.

در این راستا، خداباوری و هدایت پذیری در سبک زندگی اسلامی راه‌هایی از هلاکت و نابودی است. در خصوص ارتباط با اقتصاد مقاومتی، می‌توان این‌گونه شرح داد که خداباوری

و حاکمیت الله در زندگی باعث استفاده صحیح از دنیا و مواهب آن و برخورد شایسته و درست با پدیده‌های آن است، و از سوی دیگر، باعث اصلاح رفتار انسان می‌شود. انسان‌ها دارای رفتارهای متفاوتی هستند؛ تا جایی که رفتار هر کسی را نشانگر شخصیت او دانسته‌اند. از طرفی، اسلام برای کرامت انسان و شخصیت او اهمیت خاصی قائل شده و برای رفتارهای او برنامه‌هایی تنظیم نموده است تا هنجارهای رفتاری او را به بی‌هویتی و دوری از کرامت انسانی نکشاند. نقش خداباوری در پیدایش هنجارها و مقابله با ناهنجاری‌های رفتاری، امری ثابت شده و مسلم است؛ بدین معنا که اگر کسی یقین بداند که یک ناظر آگاه و هوشمند بر رفتار او نظارت دقیق دارد، هیچ‌گاه دست به گناه نمی‌زند؛ بلکه به وظایف انسانی خویش نیز بهتر عمل می‌کند.

در واقع، خداباوری یک سیستم نظارت درونی است که کنترل‌کننده همه قوا و احساسات بشر است. اگر انسان باور داشته باشد که در محضر خداست و تمام رفتارهای او زیر نظر خداست، مراقب رفتارهایش خواهد بود و درست شدن رفتار انسان نقش مهمی در بالندگی او ایفا خواهد کرد (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۵۷) و به تبع آن، بالندگی جامعه تحقق می‌یابد. در همین راستا، گناهان



اقتصادی کاهش یافته و میزان پای بندی به اصول و احکام اقتصادی اسلامی افزوده می شود؛ به گونه ای که نظام اقتصادی در برابر آفت های اقتصادی ایمن می شود. لاجرم یکی از عناصر درون گفتمانی هویت اسلامی - شیعی نیز «بازگشت به خویشتن» و «نفی غرب گرایی» در شیوه زندگی است که انقلاب اسلامی ایران به خوبی این موضوع را نشان داد (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۶۶).

البته باید اشاره کرد که یکی از جلوه های خدا باوری در زیست متعالی و سبک زندگی اسلامی،

«تقوای پیشگی» و «خود نگه داری» است؛ زیرا

جامعه اسلامی، جامعه هدایت یافته است و

هدایت واقعی که در پرتو قرآن تحقق می یابد، در

گرو تقوای پیشگی است؛ تقوای اسلامی و الهی؛

یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین

اسلام (و اصولی که اسلام در زندگی معین کرده)

خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ

و صیانت کند و مرتکب آن ها نشود. انسان اگر

سیاست، اقتصاد، حکومت،  
حقوق، اخلاق و روابط فردی و  
اجتماعی از دین قابل تفکیک نیست.

بخواهد دارای اصولی در زندگی باشد و از آن ها پیروی کند، به ناچار باید خط مشی معینی داشته

باشد و از هر چه و مرج در کارهایش پروا کند. لازمه خط مشی معین داشتن و اهل مسلک و مرام و

عقیده ای بودن، این است که انسان به سوی یک هدف و جهت، حرکت کند و از اموری که مغایر

اهداف و اصول پذیرفته شده اوست، ولی با هوا و هوس های آنی او هماهنگ است، خود نگه داری

کند. بنابراین، تقوا لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی

کند و از اصول معینی پیروی نماید. در بینش اسلامی، جامعه و افراد تقوای پیشه از جایگاه بلندی

برخوردارند. آنان محبوبان خدا، گرامی ترین افراد نزد او و نجات یافتگان [در مسیر] رستگاری هستند

که خداوند ولی آن ها، و در همه حال با آن هاست. در قرآن مجید آمده است: (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ

مَخْرَجًا) (= هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند.) امام علی (ع)

در تبیین این فراز می فرماید: «آگاه باشید. هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی از فتنه ها

برای او فراهم می کند و برای او نور هدایتی جهت رهایی از تاریکی ها قرار می دهد» (میر مدرس،

۱۳۸۰: ۲۸۳-۲۸۶).

## سبک زندگی قرآنی و «حیات طیبه» در آرمان‌های اقتصادی جامعه ایرانی

باید توجه داشت که سبک زندگی (۲) بیانگر ظهور رهیافت تحلیلی نوین در عرصه علوم اجتماعی است. خاستگاه متفاوت سبک‌های زندگی بشر را می‌توان در باورها، تفکرات، مبانی، پیش‌فرض‌ها، نوع نگاه به انسان، هستی، اهداف، زندگی، ارزش‌ها و در الگوهای رفتاری بشر جست‌وجو کرد. بررسی تأثیرگذارترین «مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی از دیدگاه قرآن»، چارچوب کلی و استانداردهای سبک زندگی مؤمنانه، و در مرحله متعالی‌تر، سبک زندگی طیبه را تعیین می‌کند و موجب تمایز این نوع سبک زندگی از دیگر سبک‌های زندگی رایج در دنیای مدرن می‌شود که انسان را موجودی فرامادی و سرشته‌شده با نیازهای معنوی و هویت الهی و حیاتی به امتداد ابدیت بیان می‌کند.

از این رو، الگوهای رفتاری و نگرش‌های انسان، جنبه فرامادی و ابدی می‌گیرد و بر محور توحید، ظهوری متمایز می‌یابد (اخلاقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳؛ نک: قربی و نیک‌روش، ۱۳۹۴: ۹/۵۲۰۷-۵۲۵۶). با این اوصاف، هر مکتب و مذهبی یک سبک زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد و مدعی است جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از آن روش زندگی است که آنان ارائه می‌نمایند. حقیقت این است که وقتی سخن از سبک زندگی اسلامی (زیست مؤمنانه) و حیات طیبه به میان می‌آید، دو امر به ذهن تداعی می‌کند. به دیگر سخن، گزاره حاکمی از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه، متضمن دو گزاره دیگر هم هست: اول، اینکه وضع موجود جوامع بشری دچار آسیب‌ها و آفت‌ها و آلوده به سبک زندگی غیراسلامی است؛ دوم، امکان حصول به سبک زندگی اسلامی است. ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دست‌یابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار (۳)، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد (رجب‌نژاد، ۱۳۹۱: ۹-۱۰).

از آنجا که شرط رسیدن به پیشرفت مطلوب از نظر اسلام رسیدن بشر به حیات معقول - و به تعبیر قرآن کریم، «حیات طیبه» است - شایسته‌است تعریفی از آن ارائه شود. حیات معقول انسان، وضعیتی است که در آن نیازهای مادی و جسمی‌اش در محدوده امکانات موجود، به بهترین و

سالم‌ترین وجه تأمین شود؛ به گونه‌ای که زمینه رشد و تعالی معنوی وی و رسیدن به مقام والا و شایسته‌ای که خداوند متعال بشر را برای آن آفریده است، فراهم باشد. در این صورت، انسان به همان حیات طیبه‌ای که قرآن کریم مطرح کرده، خواهد رسید. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، وی را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. صاحب تفسیر «المیزان» حیات طیبه را حیاتی می‌داند که در آن، انسان برای خود آن چنان ارزش، کرامت، کمال و عزتی ببیند که در آن هیچ‌گونه زوال، رنج و کدورت نباشد و تمامی آن خیر و سعادت باشد، و در یک جمله، حیاتی حقیقی که در آن انسان همهٔ اموری را که خداوند برایش تقدیر می‌فرماید، حسن و جمیل ببیند و در راه تکامل خود، هیچ چیز را جز نافرمانی خدا زشت و ناپسند نداند و چنین حالتی نتیجهٔ ایمان و عمل صالح است که در آیهٔ شریفه ذکر شده است. از این رو، زیست مؤمنانه دارای مختصات زیر است:

الف) محور و موضوع ترسیم حیات معقول انسان و هدف آن تحقق خواسته‌ها و نیازهای [مادی و معنوی] اوست؛ ب) انسان در انتخاب راه زندگی و رفتار خود، موجودی صاحب اختیار است؛

سبک زندگی  
بیانگر ظهور  
رهیافت تحلیلی  
نوین در عرصهٔ  
علوم اجتماعی  
است.



پ) افزون بر نیازهای مادی، انسان نیازهای روحی و تمایل‌های معنوی نیز دارد؛ (ت) یگانه راه یافتن جهت درست و معقول در زندگی آن است که انسان با استفاده از عقل و آگاهی، راه پیروی از وحی و دستورهای الهی را برگزیند و بداند که نیازمند وحی است و دانش وی به تنهایی برای یافتن راه حیات معقول کافی نیست؛ (ث) با دست‌یابی انسان به حیات معقول، افزون بر زندگی این جهانی وی، حیات بعد از مرگش نیز به بهترین وجه تأمین می‌شود.

بنابراین، با توجه به تعریف توسعه انسان محور و حیات طیبه‌ای که قرآن کریم تبیین می‌نماید، می‌توان رابطه میان توسعه اقتصادی و شکل‌گیری عدالت اجتماعی به کمک آموزه‌های وحیانی را ترسیم کرد که بر پایه پنج شاخص استوار است: الف) میزان توسعه‌یافتگی نیروی انسانی؛ ب) میزان تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با [نیازهای معقول در] معیشت عموم مردم؛ پ)

حیات معقول انسان وضعیتی است که در آن، نیازهای مادی و معنوی انسان به بهترین وجه تأمین می‌شود.

میزان پای‌بندی افراد جامعه به حفظ منافع ملی؛ (ت) میزان تعهد، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی افراد جامعه؛ (ث) میزان کام‌یابی در رفع فقر و تأمین رفاه نسبی (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۳۴). یکی از ویژگی‌های زیست مؤمنانه، رهایی از جبر خویشتن است؛ به این معنا که انسان به طور اعم و مؤمن به طور اخص، از غرایز، کشش‌ها و گرایش‌های درونی، تمایل‌های شدید به ثروت و مال، قدرت، غریزه جنسی، خودخواهی، پول‌پرستی و... رهایی یابد و مصالح و نیازهای دیگران را هم مورد توجه قرار دهد و به گونه‌ای، [عدالت و حتی] ایثار را سرلوحه خویش قرار دهد و همین زیست مبتنی بر عدالت، ایثار و از خودگذشتگی همراه با فداکردن خود برای دیگران نیز می‌تواند اسوه‌ای حسنه برای زندگی و اقتصاد مقاوم باشد. از این رو، رهایی از زیست خودخواهانه و جبر خویشتن گامی مؤثر در زندگی مؤمنانه و متناسب با آموزه‌های اسلامی است، و به تعبیر دکتر علی شریعتی در کتاب «چهار زندان»: «این پرسشی است که برای انسان امروز مطرح است: چگونه از جبر خویشتن رها بشوم؟ جبر خویشتن چیست؟ وقتی که یک غریزه، یک کشش و یا یک گرایش شدید در من وجود داشته باشد و مرا به خاطر لذت یا تمایل شدیدی که به آن چیز دارم، ناخودآگاه یا خودآگاه، به

طرف خود بکشاند - مانند خودخواهی، غریزه جنسی، قدرت طلبی، پول پرستی و... در اینجا من اسیر زندان یا جبر، یعنی جبر خویشتم هستم.

در این حالت، من نمی‌توانم انتخاب کنم، بلکه اوست و این عامل ماوراء من یا مادون من است که برای من انتخاب می‌کند. اگر من به مرحله‌ای رسیده‌ام که باید نیاز خودم را و مصالح و همه چیزهای لذت بخش خودم را در برابر نیاز دیگران یا دیگری از کف بدهم، و اگر منافع دیگری - اعم از مادی و معنوی - را بر منافع فردی خودم - اعم از مادی و

معنوی - برگزیدم، نشان داده‌ام که از زندان خویشتم رها شده‌ام؛ زندانی که ابعادش را طبیعت ساخته و پرداخته و نیروها و غریزه‌ها و جاذبه‌ها و نفرت‌هایی در من به وجود آورده و مرا بازیچه این نفرت‌ها و غریزه‌ها و نیروها ساخته است. آزادی من زمانی است که علیه همه این‌ها عصیان کردم و رها شدم. مگر انسان می‌تواند چنین کاری را انجام دهد؟ خیلی عجیب و باورنکردنی است.

یکی از ویژگی‌های زیست  
مؤمنانه، رهایی از جبر خویشتم  
است.

کاری است که به هیچ وجه منطقی و معقول نیست، اما انسان بودن همین است. این فداکاری که ورد زبان ماست... و ایثار غیر منطقی است: غیر منطقی فدا کردن خویش برای دیگران است؛ غیر منطقی است؛ از این جهت که بدون چشم‌داشت پاداشی، در راه دیگران فداکاری نمودن است. این طور نیست که من و شما منافع مشترکی داشته باشیم و با هم همکاری کنیم و من امروز نفعم را فدای شما کنم؛ به این امید که شما فردا منفعتم‌تان را فدای من کنید، یا امشب بیدار می‌مانم و کشیک می‌دهم تا شما بخوابید و فردا شما بیدار باشید تا من بخوابم. این معامله (در معنویت هم هست) است، این ایثار نیست. ایثار و فداکاری در مرحله‌ای است که در انتخاب آن مرحله، هیچ یک از منافع و مصالح و نیازها و غرایز خود را در نظر نمی‌گیرم و علیه همه آن‌ها عصیان می‌کنم و دیگر هیچ! این مرحله‌ای است که نظام اجتماعات بشری براساس همین فدا کردن منافع فرد، جهت منافع اجتماع می‌باشد. این فداکاری از حقوق یک ماه، حتی یک روز و نیم‌روز گذشتن شروع می‌شود تا جان و حتی بالاتر از جان گذشتن از ناموس و حیثیت... و امکان ندارد جامعه انسانی به وجود آید، مگر اینکه عقل و فطرت و عظمت "خود فدا کردن برای دیگران" وجود داشته باشد» (شریعی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۵).

بدیهی است در جامعه اسلامی، نخبگان - به‌ویژه، مدیران ارشد - باید مظهر چنین ایثاری باشند؛ آن‌چنان که پیامبر (ص) و اهل بیت او بودند. مشخص گردید اگر جامعه ایمانی از جبر خویشتن رهایی یابد و به سمت و سوی ایثار اجتماعی، فداکاری در راه اهداف متعالی جامعه و اهداف جمعی گام بردارد، سیاست‌های کلی نظام ملی به راحتی عملیاتی می‌شود. هم‌دلی در راستای اهداف آرمانی و متعالی نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز یکی از لوازم حقیقی و مؤثر در موفقیت ملی است و اقتصاد مقاومتی نیز به چنین مقوله‌ای نیاز مبرم دارد؛ زیرا اسیر بودن جامعه اسلامی در هواهای نفسانی و تمنیات فردی بر دست و پای اقتصاد مقاوم نیز غل و زنجیر می‌زند و از تحرک و پویایی آن می‌کاهد، و در مقابل، ایثار و تقوای اجتماعی و اقتصادی بسترهای تحرک اقتصاد ملی و گام نهادن در مستحکم‌سازی اقتصاد خرد و کلان را فراهم می‌آورد.

بسیاری از اقتصاددانان ریشه مسائل اقتصادی را در فرهنگ می‌دانند. رابطه مستقیمی میان اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور و سبک زندگی و فرهنگ اقتصادی و الگوی ذهنی و رفتاری جامعه وجود دارد و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی، در اصلاح فرهنگ اقتصادی، سبک زندگی مردم، الگوی مصرف و توسعه فرهنگ کار و تلاش و تولید ملی است. چه ارتباطی میان سبک زندگی



در جامعه اسلامی،  
نخبگان - به‌ویژه،  
مدیران ارشد -  
باید مظهر ایثار  
باشند؛ آن‌چنان  
که پیامبر (ص) و  
اهل بیت او بودند.

و اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ چه مسائلی در سبک زندگی می‌توانند بر اقتصاد اثرگذار باشند و به عکس؟ این یک مسئله دوسویه است؛ یعنی هر اقتصادی باورها و اعتقاداتی دارد. آن اعتقادات روابط اقتصادی را طرح می‌کند. از این رو، رابطه مستقیمی میان اجزای اقتصاد مقاومتی در کشور و نحوه و سبک زندگی و فرهنگ اقتصادی و الگوی ذهنی و رفتاری جامعه وجود دارد و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی در اصلاح فرهنگ اقتصادی، سبک زندگی مردم، الگوی مصرف و توسعه فرهنگ کار و تلاش و تولید ملی است (رزاقی، ۱۳۹۴: ۳۹). ناگفته نماند که تأکید بر سبک زندگی اسلامی یا زیست مؤمنانه در جریان مقاومت‌سازی اقتصاد به معنای نادیده گرفتن مادیات و معیشت مردم نیست؛ بلکه «مسئله معیشت قطعاً در اولویت اول است. معیشت که نبود، دین هم نیست، اخلاق هم نیست، حفظ عصمت و عفت هم نیست، امید هم نیست» (رهبری، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹).

محمدرضا حکیمی دربارهٔ مدنیت قرآنی نشان می‌دهد عدالت مهم‌ترین عنصری است که جامعه دینی بدان می‌گیرد و بر همه چیز مقدم است. او برخلاف برخی که معتقدند عدالت وجودی متأخر از سازندگی دارد، اجرای عدالت را مقدم بر سازندگی می‌انگارد؛ چرا که ممکن است خود سازندگی زمینه‌ای برای محو عدالت و شیوع تبعیض بین مؤمنان شود. به همین دلیل است که امام علی (ع) فرمود: «ولا یكون العمران حیث یجور السطان»؛ یعنی هنگامی که عدالت اجرا نگردد، سازندگی وجود ندارد. علاوه بر تقدم عدالت بر سازندگی، عدالت نیز بر اصلاح خلق تقدمی دیگر دارد، و به سخن امیرالمومنین (ع): «الرعیة لا یصلحها الا العدل» (= توده را جز اجرای عدالت، چیزی اصلاح نمی‌کند). این بدین معناست که اصلاح کیان زندگی مؤمنان در همه عرصه‌های زندگی، در گرو اجرای عدالت است. اجرای عدالت نیز در گرو نابودی منهیات و ترویج معروف‌های بزرگ قرآنی است.

نخستین منهی، تکاثر است. تکاثر که مال‌اندوزی و زیادطلبی است از نظر قرآن کریم و احادیث اسلامی، یکی از عوامل ویرانگر بنیاد دین و انسانیت و فضیلت‌های اخلاقی است. امام صادق (ع) در حدیث معروف «جنود عقل و جهل»، تکاثر را از سپاهیان جهل می‌شمارد که جامعه را به سوی ارزش‌های جاهلیت سوق می‌دهد و از پیروی خرد و دین باز می‌دارد. گرچه فقیهان در گذشته و اکنون، جهت زائل کردن تکاثر، مکرراً بر مکانیسم گرفتن خمس و زکات اصرار می‌ورزند، اما به نظر

می‌رسد که اجرای عدالت تنها عاملی است که تکثیر در جامعه را از بین می‌برد (فراستی، ۱۳۹۴: ۱/۵۶۵-۵۶۷؛ نک: حکیمی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

دومین منهی، فقر است که از منظر دینی، «دیوار به دیوار کفر» شناخته شده است. بسیاری از مقررات مالی در اسلام که برخی مستحب و برخی واجب‌اند، جملگی در جهت زائل شدن فقر تدوین شده‌اند. با این همه، رفع انواع فقر در جامعه جز با اجرای عدالت میسر نمی‌شود. از منظر اسلامی، فقر معلول گناه و ستم توانگران است. همچنین از امام حسن عسکری (ع) روایت شده است که فرمود: «الاغنیاء هم یسرقون زاد الفقراء» (= توانگران، زاد زندگی مستمندان را می‌زدند [و آنان را از رسیدن به حقوق مسلم خویش محروم می‌سازند]). آیات قرآن نیز بر این مطلب دلالت دارند که ما روزی همه را مقرر داشته‌ایم، و خداوند به کسی ستم نکرده است؛ بلکه این مردم (توانگران) هستند که به دیگران ستم می‌کنند. البته مراد از دزدی توانگران این نیست که اموال آنان را سرقت کرده و خانه‌هایشان را تصاحب کنند؛ بلکه مراد آن است که اقتصاد ناسالم، عدم توجه به عدالت قضایی و اقتصادی و بی‌خبری از روزگار مردم فقیر، زمینه را فراهم می‌آورد تا همه چیز فقیران به یغما رود.

سومین مسئله، مساوات است. یک حدیث قدسی مؤمنان را در دین و دنیا به مثل هم بودن فرا خوانده است. امام صادق (ع) در حدیثی قدسی می‌فرماید: «خداوند فرمود من ده چیز را بر بندگانم واجب کردم که دهمین آن‌ها عبارت از اینکه هر کس با برادر خود (مسلمان یا غیر مسلمان) در دین و دنیا، مثل هم و مساوی با هم باشند.» بنابراین، مدنیت قرآنی واجد مختصات ویژه‌ای است که آن را از سایر جوامع متمایز می‌سازد. در میان این ویژگی‌ها، عناصر عدالت‌بخش از برجستگی خاصی برخوردار است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱) خداگرایی و اطمینان قلب؛ ۲) رشدآموزی و هدایت‌طلبی (اهدوا، مهتدین)؛ ۳) تخلق به اخلاق الهی (خداجویی در افکار و اعمال)؛ ۴) اصالت دادن به اجرای عدالت؛ ۵) مؤاخذه شدید مسئولان و رجال حاکمیت در موارد عمل برخلاف قرآن؛ ۶) رسیدن به جامعه منهای فقر؛ ۷) برابری و مساوات؛ ۸) حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها؛ ۹) خروش و حرکت برای یاری و نجات مستضعفان؛ ۱۰) انتظار سازنده؛ ۱۱) پرهیز از انواع گناهان سقوط‌آور و ضد ارزش؛ ۱۲) پرهیز از قتل نفس؛ ۱۳) دعوت به صلح؛ ۱۴) پرهیز از رباخواری؛ ۱۵) پرهیز از بدزبانی و حفظ حرمت دیگران؛ ۱۶) توجه به علوم تجربی؛ ۱۷) اهمیت دادن به علم‌اندوزی و دانش‌گستری؛ ۱۸) اعتقاد راستین به معاد و روز مؤاخذه؛ ۱۹) عدالت‌ورزی در حق



دشمنان؛ ۲۰) ظلم نکردن به احدی حتی غیر مسلمانان؛ (۲۱) سلامت فوق العاده دستگاه قضایی و مجازات قاضیان متخلف؛ (۲۲) برخورد کاملاً محترمانه با انسان‌ها در ادارات اسلامی؛ (۲۳) منع تشکیل احزاب سرمایه‌داری سیاسی، به استناد (ولا تعاونوا علی الإثم و العذون)؛ (۲۴) تفقد خاص در حق یتیمان و کوشش برای تربیت و رشد و رفاه آنان؛ (۲۵) رعایت تخصص در شغل‌ها و مقدم داشتن متخصص باتقوا (إِنِّي حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ)؛ (۲۶) رسیدن به فریاد اهل قبله و سایر مسلمانان؛ (۲۷) کمک رساندن به همه مسلمانان عالم؛ (۲۸)

نهادینه شدن تفکر و تعقل - به خصوص، تدبر در آیات قرآن در زندگی انسان‌ها؛ (۲۹) مشورت با خردمندان و تجربه‌داران؛ (۳۰) رسیدگی تام و تمام به تربیت فرزندان (فراستی، ۱۳۹۴/۱/۵۶۷-۵۷۰؛ برگرفته از: حکیمی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۸).

البته باید در نظر داشت که ایمان به معاد تأثیر زیادی بر فرایندهای مقاوم‌سازی اقتصاد در حوزه

تولید، توزیع، مصرف و غیره دارد و انگیزه انجام دادن کارها به بهترین وجه است: (فَمَنْ كَانَ یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا یُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) (= کسی که دیدار پروردگارش را امید دارد، پس باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند). در این آیه، رابطه نزدیکی میان ایمان به آخرت و عمل صالح منعکس شده است. نکته مهم اینکه به جای یقین به معاد، امید و رجاء آن ذکر شده است؛ زیرا حتی امید و رجاء آن می‌تواند منبع چنین آثاری باشد. نیز، عمل صالح «هر برنامه مفید و سازنده فردی و اجتماعی در تمام زمینه‌های زندگی» است. در الگوی پرهیزکاران، مشارکت با اهل دنیا در بهره‌گیری از نعمت‌های آن و شرکت در تولید و تجارت وجود دارد. بنابراین، اشتغال به تولید و تجارت در بخش‌های گوناگون صنعت و کشاورزی و مشارکت جدی در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و پذیرش مسئولیت، با آخرت‌گرایی در الگوی پرهیزکاران کاملاً سازگار است. در حقیقت، باور درست به معاد باعث می‌شود تا افراد در عرصه تولید بسیار کارآمدتر باشند؛ چون آن‌ها معتقدند هر کار آن‌ها در دنیا، مورد حساب‌رسی جدی در آخرت قرار می‌گیرد.

به عقیده استاد محمدرضا حکیمی، عدالت مهم‌ترین عنصری است که جامعه اسلامی بدان پا می‌گیرد.

نگرش صحیح به رابطه دنیا و آخرت، بهترین نظام انگیزشی و ضمانت اجرای درونی را در مؤمنان برای اقدام به توزیع عادلانه ثروت و درآمد پدید می‌آورد؛ طوری که توجه به وعده‌های الهی در جهان دیگر، ضمانت اجرای مهمی برای انجام تکالیف و حقوقی است که مسلمانان در چارچوب راهبردهای عدالت توزیعی اسلام، با آگاهی و اختیار به انجام آن‌ها اقدام می‌کنند [این البته با ضرورت بازرسی‌ها و نظارت‌های سازمانی و اداری و اجتماعی منافات ندارد و مکمل آن است].

امام علی (ع) خطاب به یکی از کارگزاران حکومتی خویش می‌نویسد: «میان‌رو باش و از زیاده‌روی دست بردار و امروز، فردا را به خاطر آور و از مال نگاه‌دار چندان که تو را کارساز است، و زیادت را پیشاپیش فرست برای روزی که تو را بدان نیاز است.» امام (ع) همچنین تأمین نیازهای فقیران را در حدی که در زندگی‌شان گشایش حاصل آید، وظیفه ثروتمندان می‌دانست که در صورت تخطی

امام حسن عسکری (ع): «توانگران زاد  
زندگی مستضعفان را می‌دزدند.»

از این وظیفه، خداوند آنان را در دنیای دیگر عذاب خواهد کرد.

بدین سان، تأثیر نگرش آخرت‌گرایی مطلوب، در عرصه توزیع و جلوگیری از انباشت ثروت و در نهایت، تعدیل ثروت‌ها آشکار می‌شود. علاقه به دنیا و لذت‌طلبی و سودگرایی، عامل بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و اقتصادی و تضاد منافع افراد و تراحم منافع فردی و اجتماعی است، اما اصالت دادن به سرای باقی و نعمت‌های معنوی آن، از بروز چنین تضادهایی جلوگیری می‌کند. اعتقاد به سرای باقی، مسلمانان را به بهره‌برداری از لذت‌های حلال دنیا و لذت‌های ماندگار آخرت دعوت می‌کند و در صورت تضاد یا تراحم بین لذت‌های حرام دنیا و لذت‌های حلال دنیا یا لذت‌های ماندگار آخرتی، او را به صرف نظر از لذت‌های حرام دنیا فرا می‌خواند. اگر انسان دنیا را محل کشت و آخرت را محل برداشت آن بداند، سود و زیان در نظر او معنا و مفهوم دیگری پیدا می‌کند.

تفسیر سود به سود اقتصادی، مشکل بزرگی را پیش پای اقتصاد امروز قرار داده‌است؛ زیرا به طور معمول جمع بین منافع مادی افراد و جامعه، غیرممکن است و بسیاری حاضر نمی‌شوند برای منافع عمومی و جامعه، از منافع خود چشم‌پوشی کنند. بنابراین، بین منافع فردی و عمومی، تضاد

و ناسازگاری شدیدی پدید می‌آید و افراد با قدرت اقتصادی، روز به روز بر امکانات و توان اقتصادی خود می‌افزایند و افراد ضعیف و محروم، باید محرومیت بیشتری را تحمل کنند. اعتقاد به آخرت و اصالت دادن به آن، چارچوبی را برای مصرف شخص مسلمان پدید می‌آورد که آن را با اراده و اختیار، به صورت الزام دینی، در جهت مصرف بر می‌گزینند. تأثیر آخرت‌گرایی مطلوب بر مصرف این است که مسلمان نمی‌تواند به بهانه مالکیت بی‌چون و چرای خویش بر اموال و دارایی‌هایی که در دست دارد، در مصرف آن آزاد باشد و آن را به هر نحو، در جهت انتخاب الگوی صحیح تأمین لذت‌های شخصی به کار گیرد.

هرکس در جامعه اسلامی، خود را با برادر مسلمان خود، برادر و برابر می‌بیند.

یکی دیگر از آثار اعتقاد به آخرت و اصالت دادن به آن، دوری از زیاده‌خواهی در عرصه اقتصاد است. زیاده‌خواهی می‌تواند آثار فرهنگی نامطلوبی داشته باشد. با این دید خاص (اعتقاد به آخرت) است که غنا در قناعت ظهور می‌یابد و غنی کسی

است که با قناعت و میانه‌روی در مصرف، از دیگران بی‌نیاز است. وقتی انفاق در راه خدا یا پرداخت مالیات‌های شرعی و هر کمک مالی واجب و مستحب، به پرداخت از مال حلال و با قصد قربت مشروط باشد، اصالت دادن به آخرت قوی‌ترین انگیزه برای چنین پس‌اندازی است. قرآن کریم (مدثر: ۴۰-۴۶) می‌فرماید هنگامی که بهشتیان نگاهی به دوزخ می‌افکنند و مجرمان را غرق در عذاب‌ها و شکنجه‌ها می‌بینند، سؤال پرمعنایی از آن‌ها می‌کنند و می‌گویند: «چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟» (يَسْأَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ). دوزخیان عوامل دوزخی شدن خود را در چهار چیز خلاصه می‌کنند: ترک نماز و... تکذیب مستمر روز جزا (... وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ).

این آیات به خوبی نشان می‌دهد که یکی از عوامل سقوط در دوزخ، بلکه عامل اصلی، همان انکار روز جزاست که انسان را به یک موجود بی‌بندوبار و فاقد تعهد و مسئولیت و تقوا مبدل می‌سازد. مشخص می‌شود که عدم اعتقاد به معاد و انکار آن باعث و علت اصلی نابسامانی‌ها در همه عرصه‌ها - به خصوص در عرصه‌های اقتصادی - و باعث ناکارآمدی است. بالعکس، اعتقاد به معاد، باعث سامان گرفتن و پیشرفت و تکامل مسائل اقتصادی است. نکته جالب آنکه

در همین آیات، به عدم اطعام نیازمندان به عنوان یکی از عوامل دوزخی شدن مجرمان اشاره شده است و این همان پیوند اعتقاد و اقتصاد را به نیکی نشان می دهد. بدون شک، ایمان به معاد تأثیر عمیق و گسترده ای در اعمال آدمی دارد. اصولاً اعمال انسان بازتاب اعتقاد اوست. به تعبیر دیگر، رفتار هرکس با جهان بینی او ارتباط و پیوند مستقیم و تنگاتنگ دارد. کسی که معتقد است اعمالش بی کم و کاست در دادگاه الهی مورد بررسی قرار می گیرد، در انجام اعمال خود - از جمله عملکرد اقتصادی خویش - فوق العاده سخت گیر و موشکاف خواهد بود. بنابراین، کسی که به معاد معتقد است، در انجام امور و وظایف اقتصادی خویش به هیچ وجه کم کاری نمی کند (گریوانی، ۱۳۹۴: ۹-۱۰).

به تعبیر «خاستگاه مبنایی و ضابطه درست آزمایی برداشت از اقتصاد مقاومتی»، با در نظر گرفتن زندگی به عنوان یک صحنه اقتصادی (تجارت و داد و ستد به معنای وسیع آن)، و در همان حال، در نظر گرفتن اقتصاد به عنوان قلمرو یک زندگی انسانی که صحنه آوردگاه‌هایی واقعی و متضمن جهاد است، به نوعی این همانی بین زندگی، اقتصاد و جهاد در نگرش اسلامی دست می یابیم. از یک سو، زندگی جز با بهینه یابی و بهینه سازی (رفتار به جا و میانه بدون افراط و تفریط) و کاربرد منابع برای دست یابی به اهداف (خواست‌ها) سامان نمی یابد. از سوی دیگر، این بهینگی تخصیصی و کاربردی که به اقتصاد مصطلح شده است، با ویژگی های خاص خود، نوعی جهاد است. به علاوه، جهاد نیز تجارتي ویژه (با ملاحظه توأمانی دنیا و آخرت و سود و زیان مادی و معنوی) قلمداد می شود. در این صورت، برخلاف نگرشی که با پیش فرض اثبات گرایانه، بین اقتصاد و این امور به ظاهر غیر اقتصادی (جهاد، سبک زندگی، مقاومت و...) تنافر برداشت می کند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی، ترکیبات «اقتصاد جهادی» و «جهاد اقتصادی» (نک: علوی منش، ۱۳۹۲: ۴۹-۷۲) و «اقتصاد مقاومتی» و «مقاومت اقتصادی» و امثال آن‌ها، ترکیبات مسامحه آمیز با درون مایه هایی ناسازگار نیستند؛ بلکه بارز کردن ویژگی های درونی هر یک از این مفاهیم، با برجسته کردن وصف هایی به هم تافته است (دری نوگورانی، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۸).

در همین راستا یک زیست مؤمنانه در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی، باید با عدالت مداری، مدیریت صحیح، مجاهدت، پویایی، عزت مندی و عاقبت اندیشی، توکل به خدا، قناعت مداری، استغنا، پُرتلاش بودن، فرصت سازی، اسراف گریزی، برکت گرایی، ایمان، معنویت و... همراه باشد.

آیت‌الله دری نجف‌آبادی معتقد است سبک زندگی اسلامی یعنی مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاقیات و اعمال صالحه فردی و اجتماعی که انسان‌های مؤمن بر اساس وظایف ایمانی و ولایی خود، در جهت نیل به کمال و قرب الی‌الله، در چارچوب تعالیم اسلامی و بر اساس سیره و دستورهای رهبران اسلامی و الگوهای پیشوایان بزرگ اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) انجام می‌دهند. اهل بیت (ع) بهترین مشعل‌داران هدایت و عالی‌ترین الگوهای فضیلت و کرامت و بزرگ‌ترین راهنمایان خیر و صلاح و سعادت، عزت و شرف دین و دنیا و آخرت همه انسان‌ها هستند و در قول و عمل فردی و اجتماعی و مقابله با دوست و دشمن، همواره مایه نجات و سرمایه خیر و صلاح‌اند.

بنیان‌های عمیق اعتقادی، اخلاقی و رفتاری - اعم از فردی و اجتماعی - و در ابعاد گوناگون و سطوح ولایه‌های مختلف زندگی، نقشی بی‌بدیل در تفسیر زندگی و تبیین اهداف آن و نمادها و جلوه‌های درونی و بیرونی آن دارند. بر اساس این مبانی متقن و اصول استوار اعتقادی و اخلاقی، روش و منش در زندگی از دیدگاه اسلام، هدف‌گرا، مبتنی بر اعتقاد به قیامت و عمل و عکس‌العمل، و تعلیم و تربیت الهی و خدمت به بندگان خداوند متعال و نافع و مبارک بودن برای جامعه است. در فرهنگ

معمولاً جمع منافع افراد و جامعه ممکن نیست؛ زیرا افراد با قدرت اقتصادی، روزه‌روز بر امکانات و توان اقتصادی خود می‌افزایند و افراد ضعیف و محروم باید محرومیت بیشتری را تحمل کنند.



اسلامی، زندگی مادی و رفاه و آسایش خود هدف نیست؛ بلکه هدف سیر الی الله و تعالی و تکامل و قرب الی الله و حسن توفیق و حسن عاقبت و رضوان الهی است.

در سبک زندگی و نظام‌های اجتماعی غربی، زندگی خود اصالت و ارزش دارد، لیکن از دیدگاه اسلام، زندگی وسیله است نه هدف. زندگی دنیوی مقدمه زندگی آخرت است و دنیا پُل عبور است. وابستگی و دل‌بستگی به دنیا و آرایش‌ها و زر و سیم و زیور و زرق و برق دنیا تا آنجا ارزشمند است که انسان را به اهداف الهی نزدیک کند، نه

اینکه موجب غفلت و غرور و اسارت در برابر دنیا و مظاهر آن گردد. از این دیدگاه، زندگی دنیا در حد قوت و قناعت و عفاف و کفاف توجیه شده، نه همراه با تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر و بردگی در برابر شهوات و وابستگی به دنیا و مطامع آن. از این رو، اولاً، ملاک ساده‌زیستی و قناعت است، نه تکلف و تجمل‌گرایی و

زیست مؤمنانه در راستای  
اهداف اقتصاد مقاومتی، باید با  
عدالت‌مداری همراه باشد.

تشریفات غیر ضروری؛ ثانیاً، شاخص روحیه ایثار و از خودگذشتگی است، نه تعلقات دنیوی و هواها و تمایلات شهوانی (دری نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۸۹-۹۳). در جامعه اسلامی، نخبگان و مدیران ارشد باید خود مظهر رعایت این ارزش‌ها باشند، نه اینکه مظهر تجمل و دنیاطلبی و تکاثر و ثروت‌اندوزی باشند.

از این دیدگاه، خدمت به انسان‌ها بزرگ‌ترین عبادت است، نه اینکه روح فردگرایی و خودخواهی غالب باشد و انسان دچار خواب غفلت و غرور شود و روح تکبر و آز و حرص بر او غالب شود و کوس «أَنَارَبُّكُمُ الْأَعْلَى» بزند. روح تکبر، غرور، خودبزرگ‌بینی، آز و طمع، حرص و حسد، جاه‌پرستی و دنیاطلبی و آرزوهای دنیوی در فرهنگ اسلامی پذیرفته نیست. این صفات و ویژگی‌ها در نظام‌های غربی و فرهنگ جاه‌طلبانه دنیاپرستان مورد توجه است، اما در فرهنگ اسلامی با این اخلاق و منش و روش‌ها مبارزه می‌شود. شاخص امتیاز در فرهنگ اسلامی، تقوا و پرهیزگاری، جهاد و خدمت‌گزاری، علم و معرفت، ایثار و فداکاری در راه اهداف متعالی انسانی و اسلامی پسندیده و مطلوب است.

در فرهنگ اسلامی، زندگی بر مبنای معرفت و حکمت و پاس‌داری و صیانت از ارزش‌ها و شناخت ارزش‌های متعالی الهی و انسانی و اعتقادات حقه و اعمال صالحه و مکارم اخلاق است، نه وابستگی‌های حزبی و جناحی و گروهی و سیاسی و قدرت‌طلبانه. در فرهنگ اسلامی، اصالت با «ایمان بالله»، «النفع لعباد الله»، «البر بالاخوان» و جهاد در راه خداست؛ معاشرت حسنه و تعامل جمیل با دیگران و پرهیز از روحیه تکبر و غرور و خودخواهی و خودبزرگ‌بینی. پس در فرهنگ اسلامی اصل رفق و مدارا در امور

و مدارا با مخالفان خود، پسندیده و توصیه شده‌است. مدار در فرهنگ اسلامی، خداوند متعال و اطاعت از ذات اقدس احدیت و ولایت‌پذیری، پرهیز از خودکامگی و دیکتاتوری، استبداد و خودخواهی است. در فرهنگ و معارف اسلامی،

در جامعه اسلامی، نخبگان و مدیران ارشد باید خود مظهر رعایت ارزش‌های اسلامی باشند، نه اینکه خود مظهر تجمل و دنیاطلبی و تکاثر و ثروت‌اندوزی باشند.

نگاه راهبردی و کلان به زندگی اجتماعی و سیاسی و آینده جامعه بشریت، و ضرورت آمادگی آماده‌سازی برای حاکمیت خیرات و پرهیز از بدی‌ها و زشتی‌ها و منکرات یک وظیفه بسیار روشن و الهی است.

باید تلاش کرد تا زمینه‌های حاکمیت عدالت و عدل‌گستری در جهان را فراهم کرد و با فساد در هر شکل و به هر صورت مبارزه کرد. نباید اجازه داد تا بیگانگان و بیگانه‌پرستان و سلطه‌گران سرنوشت مسلمانان و بلکه جوامع بشری را به بازیچه بگیرند و زمینه‌های کفر و شرک و الحاد و فساد و طغیان را گسترش دهند. نباید به سلطه‌گران و مستکبران فرصت داد تا فرصت‌ها را از ملت‌ها بگیرند و حقوق آن‌ها را پایمال کنند و راه سعادت را سد کنند و حقایق الهی را تحریف نمایند و بدعت‌ها را گسترش دهند. در اینجا تأکید بر این مسئله بسیار مهم و ضروری است که در ابعاد ساختاری و حاکمیتی از دیدگاه اسلام، شایسته‌سالاری، لیاقت، کفایت، ولایت‌مداری، مردم‌داری، تقوا و امانت، صداقت، شرح صدر، انعطاف‌پذیری در عین صلابت و صبر و استقامت در راه اهداف و آرمان‌ها جزء مهم‌ترین اصول و ارزش‌هاست.

فرهنگ جهادی (۴)، جهادگری (عربی، ۱۳۹۲: ۱۳)، مقاومت، پاس‌داری و صیانت از ارزش‌ها، جد و جهد در راه خداوند متعال، خودباوری، اعتماد به نفس و اتکال علی‌الله، بصیرت و بینش عمیق دینی و ولایی، نگاه راهبردی و کلان در مسائل داشتن، مشارکت‌پذیری، فرصت‌شناسی، بهره‌وری از فرصت‌ها، تدبیر حکیمانه، تقدیر خردمندانه، تدبیر در معاش، تقدیر در معیشت، استفاده از تجارب، شجاعت در تصمیم‌گیری و قدرت در مواجهه با مسائل گوناگون، قدرت مدیریت در بحران‌ها و اصول عزت، حکمت و مصلحت در تعامل با دشمنان، «خفیف المؤمنه» و «کثیرالمعونه» بودن در کارها و خدمات و فعالیت‌ها، صلابت در دین و مراقبت همه‌جانبه در امور، رعایت اصول و ضوابط و سرانجام، اخلاص و انگیزه‌های الهی داشتن از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسئولیت‌ها و وظایف است. دواصل تدبیر و تقدیر و مدیریت و برنامه‌ریزی، و اصل روشن محاسبه و مراقبت و نظارت بر کارها، و اصول امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت پیشوایان دین و ضرورت هدف‌داری برای کارها و اصل مشورت‌پذیری و مشاوره به معنای واقعی کلمه در کارها و مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری و اصل امانت‌داری و پای‌بندی به عهد و پیمان‌ها و اصل تقوamحوری و نظم و انضباط و اصلاح امور و رعایت عدل و انصاف در کارها و عقلانیت و خردمندی در کارها و پرهیز از شتاب‌زدگی و هیجان‌زدگی و برخورد‌های دوگانه یا احساسی و تخیلی یا سهل‌انگاری، سستی و ضعف و خودباختگی در کارها و موارد مشابه تماماً سرمایه و چراغ راه در نظام اسلامی و ساختارهای دینی و ولایی و شاخصه‌های کارایی و کارآمدی و توانایی و توانمندی و توانمندسازی و عزت و اقتدار جامعه اسلامی است (نجف‌آبادی: ۸۹-۹۳).

در کتاب «روش اقتصاد اعتقادی، تضمینی برای زندگی آرامش‌بخش و خودکفایی در عصر تکنولوژی» بر ضرورت قناعت و صرفه‌جویی، تکیه بر توان داخلی برای تولید و ایجاد کار و اشتغال، استفاده صحیح از نعمت‌های دنیوی و به کار بردن نیروهای طبیعت و رسیدن به رفاه و آرامش اجتماعی، به عنوان مؤلفه‌های یک اقتصاد مقاومتی تأکید می‌شود که شیوه زیست و معاش اعتقادی را در فرایند اقتصاد مقاومتی شکل می‌دهند و اعتقادات و ارزش‌های دینی بر آن‌ها حکم می‌راند. ماهیت زندگی در اقتصاد مقاومتی، ناظر بر پرهیز از اسراف و تبذیر، توجه کردن به خانواده، ساده‌زیستی و قناعت، پرهیز از تجمل‌گرایی و اشرافیت، از بین بردن فقر و توجه کردن به عوامل معنوی است که آسایش و آرامش مادی و معنوی را به ارمغان می‌آورد.



امروزه همه از تکنیک و تکنولوژی مدرن در زمینه‌های مختلف صنعتی، تجاری و غیره دم می‌زنند، ولی از اساسی‌ترین نیازها که تکنیک‌های فرهنگی برای داشتن یک زندگی متعادل و «به خدمت گرفتن تکنولوژی و فناوری» (دانش‌نیا، توسلیان، ۱۳۹۳: ۶۱۶) در جهت کمال آدمی است، کمتر صحبت می‌شود. در بررسی این موضوع و علل آن، به‌خوبی دیده می‌شود که بعضی از نیازهای مادی انسان‌ها در زمینه آسایش بیش از حد، مورد توجه‌اند، ولی امور معنوی که آرامش‌بخش هستند مورد غفلت واقع گردیده‌اند و این امر سبب شده که توازن و تعامل زندگی مادی و معنوی مختل، و از زندگی متعادل و معنوی فاصله گرفته شود.

انسان دارای امیال گوناگون است و هر یک از این امیال در زندگی نقشی به عهده دارد. خداوند متعال هر یک از این میل‌ها را بنابر حکمتی در وجود انسان قرار داده‌است. برای اینکه انسان از زندگی سالم و سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت برخوردار باشد، باید کلیه نیازهای مادی و معنوی او به‌طور هماهنگ پرورش، و در عمل بروز و ظهور پیدا کنند. از این رو، اسلام ناب برای پرورش همه‌جانبه امیال غریزی و فطری بشر برنامه کاملاً دقیق و حساب‌شده‌ای دارد و حد و مرزهای هر میل را دقیقاً تعیین کرده‌است، و کم و زیاد و بی‌تفاوتی نسبت به هر یک از امیال، علاوه بر اینکه زندگی را مختل می‌کند، گناه هم محسوب می‌شود. عدم رشد همه‌جانبه انسان موجب مشکلات و گناهایی در زندگی و معیشت او می‌شود که در به هم زدن اعتدال مادی و معنوی (۵) او کاملاً مؤثر است و مانع تکامل بشر می‌گردد.



آیت‌الله دُری نجف‌آبادی: سبک زندگی اسلامی یعنی مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاقیات و اعمال صالحه فردی و اجتماعی که انسان‌های مؤمن بر اساس وظایف ایمانی و ولایی خود، در جهت نیل به کمال و قرب الی‌الله انجام می‌دهند.

توجه بیش از حد به دنیا و متاع آن که بعضاً با روش مطلوبی هم همراه نیست و از غرب سرچشمه می‌گیرد، و با بی‌توجهی به هدف نهایی خلقت انسان که برخورداری از رحمت بی‌انتهای الهی در سرای ابدی است، مسیر زندگی جهتی را می‌پیماید که در نهایت به نفع بشریت نیست، ولی منافع نظام سرمایه‌داری و دشمنان نظام اسلامی را بیشتر تأمین می‌کند. اصلاح این روند در حوزه سبک زندگی و معیشت اقتصادی امری ضروری برای همگان است و با روش اقتصاد اعتقادی در زیست مؤنانه، امکان‌پذیر خواهد بود؛ چون

در این روش و شیوه زیست، عوامل اقتصادی و اعتقادی در زندگی انسان مقاوم و باایمان همانند دو بال برای پرواز و مکمل هم هستند (حمای، ۱۳۹۲: ۹-۱۱). به عنوان نمونه، در جهان‌بینی حاکم بر روابط مسلمانان صدر اسلام در فرآیند فعالیت اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف) و شیوه معاش آن‌ها، باور به

امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت پیشوایان دین [و مدیران ارشد]، سبب عزت و اقتدار جامعه اسلامی است.

توحید و یگانگی صانع این جهان، این باور را در ذهن مسلمانان ایجاد می‌نمود که همه چیز - از جمله، منابع و ابزار تولید - مخلوق اوست و همین امر مقوله اقتصاد در حوزه معیشت را متعالی می‌سازد و اعتقاد مسلمانان به نبوت، حساسیت آن‌ها را در تنظیم فعالیت اقتصادی و سبک زندگی اقتصادی بر اساس آنچه خدا امر کرده، بیشتر می‌کند (حسینی‌راد، نصیرزاده، ۱۳۹۰).

اقتصاد مقاومتی نه به معنای زندگی مشقت‌بار، بلکه به معنای آماده شدن در برابر فشارهاست؛ به معنای این نیست که ما دائماً با کشورهای دنیا در حال تنش و مجبور به تحمل سختی‌های ناشی از تحریم‌ها باشیم؛ بلکه به معنای آمادگی در برابر فشارهای آن‌هاست (جابری، ۱۳۹۱: ۳). البته نباید دور از نظر داشت که زیست مؤنانه متناسب با سیاست‌های اقتصادی، باید دارای هدف و معنا باشد؛ به گونه‌ای که شهروندان جان و دل خود را به آن اهداف و معنا می‌سپارند (دیپیمی، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۵).

آرمان‌شهرهای مطلق سرزمین‌هایی هستند که هیچ‌گاه در واقعیت نمی‌گنجند. در بسیاری از آن‌ها مفاهیم مشترکی مانند عدالت‌محوری، قانون‌مداری و انسجام همگانی وجود دارد و فقط

در خصوصیات و جزئیات است که آن‌ها از هم تفاوت می‌یابند. این آرمان‌شهرها در دوره‌های گوناگون، بازتاب دهنده نگرانی‌ها و ناخشنودی‌هایی بودند که خود زاینده همان نگرانی‌ها به‌شمار می‌رفتند. رد پای اندیشه آرمان‌شهرها از هزاران سال قبل، در قالب دینی و اجتماعی و سیاسی وجود دارد. در آموزه‌های دینی مسیحیت و یهودیت و اسلام نیز آرمان‌شهرها به‌وضوح دیده می‌شوند. این آرمان‌شهرها بر خلاف آرمان‌شهرهای مطلق، بیشتر نسبی‌اند و این به معنای آن است که این آرمان‌شهرها تحقق‌یافتنی هستند.

شهر آرمانی اسلام ابعاد فراگیری را برای خوش‌بختی انسان ارائه می‌کند که شامل سعادت در سرای ابدی نیز هست.

در آرمان‌شهرها، مناسبات خانوادگی، مالکیت اشیاء، مصرف کالا، سازمان‌دهی زندگی سیاسی و حیات مذهبی، همگی شکل و شیوه‌ای دیگر پیدا می‌کنند. اتوپیاها گاه منفی هستند و همیشه طرح‌هایی ارائه می‌دهند که هر یک با اتوپیاها مثبت در تضادند. از حیث

اقتصادی هم اتوپیاها متنوع‌اند و از شدیدترین اشکال ریاضت‌پیشگی گرفته تا توصیه به فزون‌خواهی و عیاشی را شامل می‌شوند. برخی از مهم‌ترین آرمان‌شهرها عبارت‌اند از: آرمان‌شهر یا مدینه فاضله افلاطون، اتوپیا توماس مور، ارغنون جدید و آتلانتیس فرانسیس بیکن، اوستانای هرینگتون و مدینه فاضله فارابی. جامعه کمونیستی بی طبقه کارل مارکس را نیز می‌توان از این آرمان‌شهرها دانست. اندیشه آرمان‌شهر در ادبیات فارسی نیز در قالب‌هایی مطرح شده است. عصر ظهور نیز از جوامع آرمانی است که برخلاف دیگر آرمان‌شهرها، به وعده الهی تحقق خواهد یافت. به طور کلی، به دلیل وجود بسیاری از آرزوهای بشر در آرمان‌شهرها، نوعی خواست و تمایل حرکت به سوی آن وجود دارد؛ زیرا رسیدن به آن دست‌یابی به خوش‌بختی تلقی می‌شود و می‌دانیم که مفهوم خوش‌بختی در اندیشه‌های مختلف، متفاوت، و بنابر این آرمان‌شهر نیز در دیدگاه‌های مختلف متفاوت‌اند.

در ادبیات توسعه که خوش‌بختی هدف آن به‌شمار می‌آید، تعاریفی از خوش‌بختی ارائه شده است که هر یک به بُعدی از آن پرداخته‌اند. بر اساس آنچه از منابع دینی اسلام به دست می‌آید، خوش‌بختی و نیز شهر آرمانی اسلام، متمایز با آنچه در ادبیات اقتصاد و توسعه آمده، ابعاد فراگیری را برای

خوش‌بختی انسان ارائه می‌دهد که سرای ابدی را نیز شامل می‌شود و بُعد روحی و مجرد انسان را نیز در نظر می‌گیرد. در جامعه آرمانی اسلام، انسان به بسیاری از خواست‌ها و نیازهای خود دست می‌یابد و در کنار آن، نیازهای روحی او نیز تأمین می‌گردد؛ انسان در آن به «حیات طیبه» دست می‌یابد و همه انسان‌ها در جامعه‌ای آرمانی به نام «جامعه طیبه» زندگی می‌کنند. در این جامعه، بیشتر افراد ضمن رسیدن به آرزوهای دنیوی، از معنویت نیز برخوردار می‌شوند. در این جامعه، بیشتر کارها تبدیل به عمل صالح می‌شود. رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی، فضای ارزشی، هنجاری و نهادی جامعه انجام عمل صالح است و جو کلی جامعه بر خواست‌های نفسانی استوار نیست و انسان‌های پاک فراوانی در آن وجود دارند.

در جامعه طیبه همه افراد به نیازهای فردی دست می‌یابند، آرامش و سکونتی بی‌بدیل به دست می‌آورند و همه از سلامت روحی و جسمانی کامل برخوردارند. در این جامعه، امنیت کامل - اعم از امنیت اقتصادی، سیاسی، قضایی، نظامی - برقرار است و تمامی افراد جامعه از عزت اجتماعی برخوردار بهره‌مندند. در این جامعه، علم و آگاهی از منزلت‌الایی برخوردار است و تمامی افراد کسب دانش را برای خود فریضه می‌دانند و فرایندهای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و عمل - چه در



اقتصاد مقاومتی  
به معنای زندگی  
مشقت‌بار نیست؛  
بلکه به معنای  
آماده شدن در برابر  
فشارهاست.

سطح فردی و چه در سطح اجتماعی - مبتنی بردانش است. کار و تلاش در این جامعه حکم فرما است و رَدپایی از کسالت و تبلی در آن وجود ندارد. عدالت در جای جای این جامعه فرمانروایی می‌کند.

خانواده در جامعه طیبیه محوریت دارد و خاستگاه همه توانایی‌های افراد در حل مسئله، یادگیری، مشارکت و مانند آن در فعالیت اجتماعی است. انسان محور پیشرفت در جامعه طیبیه است؛ به این معنا که انسان هم هدف و هم عامل آن است. یکایک افراد جامعه بدون توجه به ثروت و مکنت و قومیت و رنگ و نژاد، با هم برادرانه زندگی می‌کنند. در این جامعه، همه افراد در امور مختلف با یکدیگر همکاری می‌کنند. در جامعه طیبیه، همه افراد - چه با انگیزه حق و چه با انگیزه تکلیف - در امور اجتماعی اقتصادی و سیاسی جامعه مشارکت می‌کنند. همه افراد جامعه طیبیه در آزادی عمومی کامل، در چارچوب قوانین و مقررات فعالیت می‌کنند. این جامعه دارای استقلال کامل است و تصمیم‌گیری در آن بر اساس عقلانیت و شریعت انجام می‌پذیرد. در جامعه طیبیه، ابعاد فراگیرتری از خوش‌بختی انسان مورد توجه قرار می‌گیرد (سلیمی فر، مطلبی، ۱۳۹۴: چکیده). دو شاخصه اصلی حیات طیبیه که در اقتصاد اسلامی بسیار حائز اهمیت است و زیست مؤمنانه را شکل می‌دهد، «عدالت» و «احسان» است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۴۱۱).

بسیاری از مشکلاتی که در فضای دینی و فرهنگی عمومی جامعه ایرانی اتفاق افتاده است، ریشه در سبک زندگی وارداتی دارد که هیچ نشانی از دغدغه‌های اسلامی و ایرانی در آن پیدا نمی‌شود. این در حالی است که شیوه زیست مؤمنانه در سه ساحت ارتباط انسان با خدا، خود و اجتماع و طبیعت تعریف می‌شود (صیادی، ۱۳۹۳: ۴). البته در خصوص این ارتباطات، نباید این مهم را فراموش کرد که توسعه اخلاق یکی از ضرورت‌های اصلی سبک زندگی به شمار می‌رود و اخلاق یکی از لازمه‌های اصلی در این نوع زندگی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۰).

طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی، برای عموم مردم - به‌ویژه، برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران - امری ضروری است (نک: اسکندری، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۰۷). در این زمینه، ابتدا باید دولت را در سبک اداره امور، و سپس مردم را به سبک زندگی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد، تا بدین وسیله سبک زندگی متناسب با مقتضیات انقلاب را در جامعه گسترش دهیم. توجه به معنویت دینی در این سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی

است؛ چراکه اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه‌ معنوی افراد و جامعه استوار است. این امر باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی اقتصادی، متناسب با مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین و طراحی و سپس اجرا گردد (ترابزاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴).

### تأثیر مبانی شریعت اسلام در زیست مؤمنانه بر اقتصاد مقاومتی

جهان در عصر بعثت، عصری است که از عادات و آداب غلط، خرافات و کج‌روی‌ها، فلسفه‌های خلاف عقل و بر بادرفته، تعصب‌های ناروا، یورش‌های ضد علم و... متأثر است و آیه دوم سوره مبارکه «جمعه» از آن با عنوان «گمراهی آشکار» یاد می‌کند (باهر، رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱). عنصر معنویت صحیح بشر را از گمراهی و ضلالت آشکار می‌رهاند و به همین دلیل است که

شیوه زیست مؤمنانه در سه ساحت ارتباط انسان با خدا، خود، اجتماع و طبیعت تعریف می‌شود.

زیست مؤمنانه متناسب با اقتصاد مقاومتی، دارای یک عنصر حقیقی و راهبردی است که قوام‌بخش حیات مادی و روحانی است و آن، «معنویت» است. براساس اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، معنویت قدم اول در تکامل و اصلاح امور است و همه توفیقات ملت در فرایند اقتصاد مقاومتی و سایر امور جاری مملکت، به برکت معنویت در جامعه اسلامی تحقق می‌یابد.

آثار معنویت در جامعه و زیست مؤمنانه را می‌توان در مؤلفه‌هایی نظیر آبادانی، جامعه سالم، تمدن‌سازی، آسایش حقیقی انسان، جرأت و شهامت بخشیدن به امت اسلامی، حفاظت از انسان مسلمان در برابر دشمنان داخلی و خارجی، پیروزی و پیشرفت در برابر استکبار، قوت و قدرت، هدایت مسیر رشد و پیشرفت جامعه و... مشاهده نمود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۷-۴۲). به تعبیر مقام معظم رهبری: «اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادت‌مندانه یاری می‌دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می‌کند. همه احکام و دستورهای اسلامی و همه خطوط اصلی در شیوه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزای درهم‌تنیده این نسخه زندگی‌بخش و

سعادت آفرین است» (رهبری، ۷۷/۱۲/۲۸). دین و سبک زندگی قرآنی نگاهی مأموریت آفرین برای انسان در حیطة اقتصاد ایجاد می کند؛ نگاهی که در آن، انسان به عنوان خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین، مکلف است تا در راستای قرب الهی، به انجام عملیات و مأموریت های اقتصادی پردازد (پیغامی: ۱۳). در همین راستا، «شوقی احمد دنیا» در کتاب «نظرات اقتصادیه فی القرآن الکریم» چنین بیان می کند که: «عنایت قرآن به رفتار اقتصادی و به طور کلی امور اقتصادی، بسیار زیاد است.

این حقیقت را هرکس که آشنایی کاملی با علم اقتصاد داشته باشد و خداوند توفیق و لیاقت تدبیر در آیات قرآن کریم را به او داده باشد، به راحتی درک می کند. چنانچه بگوییم جنبه اقتصادی زندگی انسان - هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی - جایگاهی در قرآن

مقام معظم رهبری: اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادت مندانه، یاری می دهد.

کریم به خود اختصاص داده که هیچ یک از دیگر جنبه های زندگی انسان دارای چنین خصوصیتی نیست، اغراق نکرده ایم. تقریباً هیچ سوره ای از سوره های قرآن - خواه مکی و خواه مدنی - از پرداختن به این زمینه خالی نیستند. برای فهم تقریبی این ادعا، کافی است به اصطلاحات به کار رفته در قرآن که رنگ و بوی اقتصادی دارند و دفعات تکرار آنها توجه کنیم. از جمله این اصطلاحات، می توان به موارد زیر اشاره کرد: مال، ملک، کسب، انفاق، زکات، صدقات، ربا، تجارت، زراعت، نهال کاری، خوردن و آشامیدن، اصلاح، فساد، آبادانی، مسافرت جهت بازرگانی، طلب کردن فضل خدا، گام برداشتن جهت کسب روزی، میراث، دیون، عقود، غنایم جنگی، فقرا، ثروتمندان، خرید و فروش، معادن، گیاهان، صنعت ها و... پرداختن قرآن کریم به این جنبه از رفتار و فعالیت انسان، محدود به همین مقدار نمی شود؛ بلکه از آن فراتر رفته و حتی به جزئیات و ساختارهای فعالیت اقتصادی نیز می رسد» (احمد دنیا، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۰).

ظرفیت و غنای بی کران دین مبین اسلام که تعالیم آن مبتنی بر قرآن، سیره و سخنان ائمه معصوم (ع) و عقل است، حاوی مجموعه ای از باورها و معارف بنیادین هستی شناختی (مبدأ، معاد، فلسفه و

تاریخ)، انسان‌شناختی و راهنماشناختی (نبوت و امانت) است و در حوزه‌هایی چون اعتقادات، اخلاقیات، فقه و احکام، برای تمامی بخش‌های زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی مسائل جدید، زیست‌متعالی یا سبک زندگی مؤمنانه‌ای را برای پیروان خود به ارمغان آورده‌است. برخی از اصول و مبانی شریعت اسلام که تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری سبک زندگی مؤمنانه دارند، بیان می‌شوند:

الف) تأکید بر خداشناسی و وحدانیت: اعتقاد به یگانگی خداوند، اصلی‌ترین ویژگی سبک زندگی مؤمنانه در اسلام است؛ یعنی معرفت و باور به اینکه آفرینش همه پدیده‌ها و تدبیر و ربوبیت موجودات - از جمله روزی دادن به آن‌ها - مختص خدای یگانه است که مبدأ و مقصد و مالک هستی است (غلامرضایی، ۱۳۸۹: ۱۸).

اعتقاد به یگانگی خداوند  
اصلی‌ترین ویژگی سبک زندگی  
مؤمنانه در اسلام است.

ب) انسان‌شناسی الهی: یکی از مبانی بااهمیت در علوم انسانی، تلقی و تعریفی است که از انسان ارائه می‌شود. از تعاریفی که در آیات مختلف در خصوص انسان بیان شده‌است، برمی‌آید انسان موجودی دوساحتی است که افزون بر جسم، دارای روح مجرد و غیرمادی است. این دو بُعدی بودن انسان، اقتضا می‌کند گرایش‌ها و تمایلات دوگانه‌ای داشته باشد. شریعت اسلامی از انسان می‌خواهد گرایش‌های روحانی را در اولویت، و امیال نفسانی را در خدمت حقیقت انسانیت - یعنی روح - قرار دهد. از برجسته‌ترین امتیازات روح الهی در انسان، تعقل و خردورزی است که مبدأ همه معارف، توانمندی‌ها و گرایش‌های اصیل است. مهم‌ترین دستاورد عقلانیت، در ایمان و تعبد خردورزانه است و بنا به فرموده امام علی (ع)، عقل، دین و حیا قرین و همنشین یکدیگر هستند. از اهم امتیازات انسان در مقایسه با موجودات دیگر، اراده و آزادی اوست. با وجود آنکه خداوند و پیامبران انسان را به راه راست دعوت و هدایت می‌کنند، این خود انسان است که انتخاب می‌کند. پس از آنکه انسان با اراده و خواست (مبتنی بر عقلانیت) خود وارد سرزمین ایمان شد و ولایت



الهی را پذیرفت، به اقتضای عقل و قانون «التزام به شیء، التزام به لوازم آن نیز هست»، از او خواسته می‌شود که مطیع دستورات و هدایت‌های دینی باشد. با توجه به اراده و اختیاری که در وجود انسان نهاده شده‌است، او در قبال رفتار و اعمال اختیاری خود مسئول است و باید در برابر پذیرش امانتی که به وی اعطا شده، پاسخ‌گو باشد. انسان موجودی است که میل به جاودانگی در فطرت او نهاده شده‌است. بر این اساس، اسلام در پاسخ به این میل فطری، مرگ را پایان زندگی نمی‌داند؛ بلکه آن را مبدأ حیات واقعی معرفی می‌کند.

حفظ ایمان، بُن‌مایه  
حقیقی مقاومت و  
استقامت است.

پ) توجه به معاد: از یک سو، ایمان به آخرت و روز جزا از اصول دین، و پذیرش آن مبتنی بر عقل و خردورزی است، و از سوی دیگر، تأکید بر معاد در آیات مختلف، با ایجاد خوف و رجا، انذار، تبشیر و توصیف احوال جهنم و بهشت و اهل آن، نشان از اهمیت بالای آن در دیدگاه اسلام و هدایت انسان دارد. اما تأکید اسلام بر آخرت‌گرایی، هرگز به معنای نکوهش

اصل دنیا و دعوت به طرد نعمت‌های آن نیست. آنچه از نظر اسلام مذموم و مطرود است، شیفتگی و بندگی دنیاست. اگر دنیا را مزرعه آخرت و فرصتی برای دست‌یابی به سعادت جاودان و کسب مقامات عالی بدانیم، باید آن را بهترین مهلت و نعمتی بشمریم که خداوند به انسان عطا کرده‌است. در این زمینه، پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «دنیا را دشنام ندهید که آن بهترین مرکب مؤمن است که به وسیله آن، به نیکی می‌رسد و به وسیله آن از شر نجات می‌یابد» (غلامرضایی، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰).

به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، «بسیاری از آرمان‌های جامعه ما و مطالبه آن‌ها جزو واقعیت‌های جامعه است. مردم مایل‌اند عزت ملی داشته باشند، مردم مایل‌اند زندگی ایمان‌مدار و دین‌مدار داشته باشند، مردم مایل‌اند در امور اداره کشور و مدیریت کشور سهیم باشند (یعنی مردم‌سالاری)، مردم مایل‌اند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند. این‌ها خواسته‌های عمومی مردم است. این خواسته‌ها واقعیت‌های جامعه است، این واقعیت‌ها دقیقاً در جهت آرمان‌خواهی است. این‌ها که مسائل تحلیلی و ذهنی نیست، این‌ها که موهومات نیست،

این‌ها که ذهنیات نیست. این‌ها واقعیاتی است که در جامعه وجود دارد. یک جامعه زنده و مؤمن دنبال این چیزهاست» (رهبری، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳).

حفظ ایمان نیز بن‌مایه حقیقی مقاومت و استقامت است و عنصر کلیدی زیست مؤمنانه محسوب می‌گردد. در عین حال، رابطه مستقیم و توأمانی میان استقامت و مقاومت فردی و اجتماعی با ایمان وجود دارد، و به تعبیر آیت‌الله صدر: «مسلمان اگر بخواهد ایمان خود را حفظ کند، باید در برابر استهزای بی‌دینان یا فشار آن‌ها، پافشاری کند، طمع به مال یا جاه، سبب از دست رفتن ایمانش نشود؛ رخ زیبا و چشمان آهوئی، شهوت او را برنینگیزد که برخلاف اراده خود قدم بردارد، با گرسنگی بسازد و خیال دزدی را به سر نپرواند. آن وقت است که نزد خدا سرافراز خواهد بود و تاج افتخار را بر سر خواهد نهاد، ولی اگر در برابر شهوات تحمل نکرد و مسخره‌ای او را از نماز خواندن و روزه گرفتن بازداشت، یا دلبری رعنا به باده‌گساری‌اش خواند و او دعوتش را پذیرفت، یا جاه‌طلبی وادارش کرد که حق دیگران را پامال کند، به اسفل السافلین خواهد رفت و روسیاهی دو جهان از آن او خواهد بود. پس، کسی که خواهان دست یافتن به چیزی است یا دوست‌دار رسیدن به آرزویی است، تا استقامت نداشته باشد، به مقصود خود نخواهد رسید؛ زیرا راه وصول به هر هدفی، استقامت است و پس.

استقامت، سرآمد صفات پسندیده است؛ یعنی به وسیله استقامت می‌توان جمیع کمالات نفسانی و غیرنفسانی را به دست آورد. هر صفت پسندیده‌ای که انسان بخواهد کسب کند، باید به وسیله استقامت باشد و راه دیگری ندارد. ترسو اگر بخواهد دلیر شود، فقط با استقامت می‌تواند بدین مقصود برسد، بخیل اگر خواسته باشد جوان‌مرد و سخی بشود، حسود اگر بخواهد پاک‌باز و پاکیزه‌دل بشود، خودپرست اگر بخواهد خداپرست گردد، راه منحصر به فرد آن استقامت خواهد بود. همچنان که برای رسیدن به مقصود، استقامت لازم است، همان‌طور برای نگاه‌داری مقصود پس از رسیدن به آن، استقامت لازم خواهد بود. استقامت هم رساننده به مقصود است، هم نگه‌دارنده آن. کسی که دارای جوان‌مردی و شجاعت و پاکیزه‌دلی است، اگر در نگاه‌داری آن‌ها استقامت نکند، از کف‌اش خواهد رفت. حفظ مقامی عالی، نگاه‌داری ثروتی بی‌شمار، استقامت لازم دارد؛ و گرنه رندان، از کف‌اش خواهند ربود.

کسی که با مبارزه و کوشش، گوهر گران‌بهایی را به دست آورد، البته استقامت نگاه‌داری آن را خواهد داشت، ولی کسانی که بر اثر تصادف به نعمتی یا مقامی می‌رسند، به‌سختی می‌توانند آن را حفظ

کنند و چیزی نخواهد گذشت که آن را از کف خواهند داد. از اندرزهای معروف است که: مرد باید بر سر حرف خود بایستد؛ یعنی به گفته خود ایمان داشته باشد و از آن دست بردارد؛ نه آنکه تا به مانعی از قبیل تهدید، تویخ یا تطمیع برخورد، تغییر عقیده دهد. از این سخن چنین بر می آید که مردی و مردانگی، همیشه با استقامت همراه است» (صدر، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۹).

چنین عناصر و مؤلفه‌های رفتاری در سبک زندگی فردی و اجتماعی مقاوم‌کننده اقتصاد خواهد بود؛ زیرا مقاومت در برابر حوایج و خواسته‌های نفسانی، و در نقطه مقابل، ایستادگی در برابر تهدیدات دشمنان بیرونی، یک عنصر حقیقی برای شکل‌گیری اقتصادی مقاومتی و یک جامعه قوی و سالم است.

### سبک زندگی اسلامی و الگوی مصرف به مثابه بسترهای اقتصاد مقاومتی

به تعبیر آیت‌الله شهید مدنی، زیادی مصرف خواسته دشمن است. این دشمن است که می‌خواهد ما بیشتر مصرف کنیم تا محتاج شویم (جان‌محمدی، ۱۳۹۴: ۶۳). نگارندگان «سبک‌ها و الگوهای مصرف و اقتصاد مقاومتی» رابطه بین اقتصاد مقاومتی و مصرف را این‌گونه تشریح می‌کنند: اقتصاد مقاومتی مدلی از طراحی و پیاده‌سازی سازوکارها و نهادهای حوزه اقتصادی است که بتواند در شرایط ستیزه و تعارض دائمی میان نظام اسلامی و نظام سلطه، آسیب‌پذیری کمتری در برابر تحركات خصمانه استکبار جهانی داشته، و حتی بتواند در موارد مناسب، منابع آنان را با چالش مواجه کند. این امر میسر نمی‌شود مگر با ایجاد «انسان مقاومتی»، که از اصول اولیه ایجاد چنین انسانی، رفتن به سمت تولید بیشتر و کاهش مصرف‌گرایی یا مصرف هدف‌مند در جامعه است. کاهش مصرف‌گرایی در جامعه از طرق مختلف - مانند فرهنگ‌سازی، ترجیح تولیدات داخل بر واردات و



آیت‌الله شهید مدنی: زیادی مصرف خواسته دشمن است که می‌خواهد ما محتاج شویم.

خرید کالای داخلی در کشور - منجر به جلوگیری از واردات و افزایش تولید، سودآوری و رقابت میان تولیدکنندگان می شود که هم به رشد و تولید و اشتغال و پیشرفت اقتصادی کشور کمک می کند و هم کشور را با سوق دادن به سمت خودکفایی، در جهت مقابله با تحریم ها پیش می برد.

مصرف هدف مند از روش های متفاوتی مانند فرهنگ سازی در زمینه مصرف کالاهای کشورهای شرکای تجاری صورت می گیرد. بنابراین، اقتصاد مقاومتی و تحقق آن علاوه بر نیاز به برنامه های عملیاتی و اجرایی، بیش از هر چیز نیازمند زیرساخت های فرهنگی و فرهنگ سازی های مناسب است که امکان موفقیت هر طرح و برنامه ای را به طور کلی، و اقتصاد مقاومتی را به صورت خاص، امکان پذیر می سازد. به علاوه، تحقق اقتصاد مقاومتی علاوه بر فرهنگ سازی های مناسب و پشتوانه های علمی و فکری در زمینه کاهش مصرف گرایی و اصلاح الگوی مصرف - که می بایستی از طریق دولت مردان انجام شود - نیازمند راهکارهای عملیاتی است که با برنامه ریزی همه جانبه و در سطوح مختلف، امکان موفقیت آن را فراهم می سازد (متقی، متقی، ۱۳۹۲: ۱۲).

گرایش افراد به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی، تحت تأثیر رسانه ها و نمادسازی های آن هاست. همچنین، تأثیر مدرسه نیز می تواند نمودی از تأثیر سرمایه های فرهنگی بر نوع مصرف و سبک زندگی باشد. گرایش به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی بنا به ماهیت مردمی اقتصاد مقاومتی، با عوامل اجتماعی زیادی مرتبط است و فرآیند نهادینه ساختن این سبک از زندگی مستلزم توجه و شناخت تأثیر عوامل اجتماعی - مثل خانواده، مدرسه، رسانه ها و دین - در گرایش به این سبک است. همچنین، نوعی از شخصیت که در ادبیات جامعه شناسی توسعه به «شخصیت اجتماعی پیشرفته» مرسوم شده است، در گرایش افراد به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی مؤثر است و با آن هم بستگی مثبت و معنادار دارد.

در کل، باید گفت گرایش به سبک زندگی متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی، با فرآیند جامعه پذیری و شکل گیری شخصیت افراد - به ویژه، جوانان و نوجوانان - در آمیخته است. به عبارتی، نمی توان در یک برنامه مقطعی انتظار داشت که گرایش افراد به این سبک از زندگی افزایش یابد تا جامعه از پیامدهای مطلوب آن سود ببرد. این امر نیازمند جهت گیری هماهنگ و تعامل پایدار نهادهای جامعه پذیری - مثل خانواده، رسانه، آموزش و پرورش و دین - با همدیگر، برای نهادینه ساختن مؤلفه های سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی، در یک برنامه ریزی مداوم و با توجه طولانی

مدت اقتصادی-اجتماعی است. ضعف شیوه عملی و سبک زندگی بعضی از نخبگان و نیز ضعف رسانه در افزایش گرایش جوانان به سبک‌های زندگی متناسب با فرهنگ ملی و اسلامی موجب قدرت یافتن رسانه‌های بیگانه در این میدان شده است؛ چنان که رسانه‌های بیگانه تأثیر قدرتمندی در کاهش گرایش جوانان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی دارند (سبکتگین و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲).

با این اوصاف، سبک زندگی مصرف‌گرا تأثیر منفی بر اقتصاد مقاومتی دارد؛ زیرا از بین برنده منابع ملی است. سبک زندگی اسلامی بستر اقتصاد مقاومتی است؛ به این معنا که بایک زندگی مصرف‌گرا نمی‌توان در برابر هجوم‌ها و تهدیدات داخلی و خارجی در عرصه اقتصاد، مقاومت به عمل آورد. تجمل‌گرایی هیچ ارتباطی با اهداف اقتصاد مقاومتی ندارد؛ زیرا بر اساس مبانی انسان‌شناختی و هستی‌شناسی این نوع زندگی، اهداف آرمانی در حوزه اقتصاد و توجه به اقتصاد ملی هیچ جایگاهی ندارد و منافع فردی بر کل جامعه برتری دارد. این در حالی است که سبک زندگی اسلامی بسترهای خیرخواهی عمومی، کمک به هم‌نوع، مقاومت در برابر رذیلت‌های مصرف‌گرا در اقتصاد، حمایت از اقشار ضعیف جامعه و... را ترویج می‌نماید که در راستای اهداف ترسیم شده در اقتصاد مقاومتی است. در یک بیان، سبک زندگی اسلامی انسان‌هایی مقاوم، ایثارگر، از خود گذشته، مؤمن و همسو با اهداف اقتصادی نظام سیاسی اسلام را تربیت می‌نماید.

## سخن پایانی

در نهایت، این جمع‌بندی را می‌توان ارائه نمود که زیست مؤمنانه و سبک زندگی اسلامی در فرایند اقتصاد مقاومتی از این جهت حائز اهمیت است که استقامت و مقاومت، امت اسلامی را در برابر زیاده‌خواهی‌های نفسانی و حوایج دنیوی تقویت می‌کند و افراد جامعه را از اسارت تجمل‌گرایی، ثروت‌اندوزی، بی‌تفاوتی نسبت به سایر مؤمنان، مصرف‌زدگی افراطی، درآمدهای حرام و شبهه‌ناک، بی‌عدالتی و ظلم، دست‌اندازی به اموال یتیمان و اقشار آسیب‌پذیر، فرار از پرداخت مالیات به حکومت اسلامی، کم‌فروشی و گران‌فروشی، تبعیض‌های اقتصادی ناروا و... می‌رهاند و علت این امر، حاکمیت ارزش‌های الهی و اصول جامع قرآن کریم در زندگی مؤمنانه و باایمان است. هدف حیات طیبه است، نه منافع دنیوی صرف که خسران دو جهان را به همراه خواهد داشت.

با این اوصاف، بدنه اقتصاد از آفت‌ها دور می‌شود و یک سیستم اقتصادی قوی و مستحکم برپا می‌گردد؛ زیرا برکت، حمایت الهی و تحقق وعده‌های قرآنی در این زیست مؤمنانه وجود خواهد داشت. در عین حال، یک سبک زندگی استعماری و وارداتی و تقلیدی که متناسب با اصول و آرمان‌های اقتصاد اسلامی نباشد، بدنه اقتصاد را ضعیف می‌سازد. از اولین گام‌های مقاوم‌سازی اقتصاد، فرهنگ و اجتماع در جامعه اسلامی، اصلاح شیوه زیست و سبک زندگی است و به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی، باید «جهاد اصلاح سبک زندگی» (رهبری، ۱۳۹۲/۰۵/۰۱) مورد توجه قرار گیرد و این موضوع، اهمیت سبک زندگی را در تعالی مادی و معنوی نشان می‌دهد.

## پی‌نوشت

- ۱) در خصوص نظریه پردازان کلاسیک و مدرن که در باب سبک زندگی به بحث پرداخته‌اند، نک: پیوسته، ۱۳۹۲: ۶.
- ۲) در خصوص نظریات جامعه‌شناسی در خصوص سبک زندگی، نک: قربی و جعفری، ۱۳۹۲.
- ۳) به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، در پیش توحدی، هدف غایی لقای خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۵-۶).
- ۴) رهبر انقلاب اسلامی در خصوص اهمیت فرهنگ جهادی چنین بیان می‌کنند: «آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیربنایی کشاورزی و دامداری و امثال این‌ها هم از اول انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. بعضی از صاحب‌نظران درباره انقلاب‌های دنیا این‌طور اظهار نظر کرده‌اند که انقلاب‌ها بعد از آنکه به پیروزی رسیدند، سیال بودن و جوشندگی و تحرک و پیشرفت آن‌ها از بین می‌رود و به دستگاه‌های ایستا و بی تحرک تبدیل می‌شوند... در دفاع هشت‌ساله، بسیج و تحرک مردم را دیدید، در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه جهادی را دیدید که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند. این روحیه در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک‌رسانی به بم، همین روحیه را مشاهده می‌کنید. این روحیه در همه جای دنیا نیست. مهربانی و همکاری و دل‌سوزی برای مصیبت‌دیدگان که مربوط به همه بشر است، یک حرف است، اما جوشش و تحرک و نشاط و ورود در میدان، بدون هیچ ترتیب و آداب برای خدمت کردن، یک حرف دیگر است. آنچه در ایران دیده شد، این بود: همه وارد میدان شدند و تحرک پیدا کردند (رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴).
- ۵) باید دانست که حکومت اسلامی بر پایه اعتدال است و خطوط دقیقی که میان حق و باطل کشیده، نزد بینشوران گواهی می‌دهد که چنین نظام صالحی وسطی را جز خدای حکیم وضع نکرده‌است. از این رو، اعتدال مادی و معنوی در جای‌جای حکومت و امت اسلامی یافت می‌شود (نک: حلی، ۱۳۸۵: ۲۹).

## منابع و مآخذ

- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۶). «سبک زندگی و مطالعات راهبردی در الگوهای سبک زندگی ایرانیان»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۴). «ریشه اقتصاد مقاومتی در اصلاح الگوی سبک زندگی»، ماهنامه اندیشه و راهبرد، سال سوم، شماره هشتم، خردادماه ۱۳۹۴.
- شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۱). همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدارا.
- متقی، افشین؛ متقی، سمیرا (۱۳۹۲). «سبک‌ها و الگوهای مصرف و اقتصاد مقاومتی»، نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی واحد البرز.
- آزاد آرملی، تقی (۱۳۹۱). «الگوهای سبک زندگی در ایران»، در: الگوهای سبک زندگی ایرانیان، چاپ دوم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ولی‌زاده، جواد (۱۳۹۲). «ضرورت ارائه تعریف بومی (اسلامی- ایرانی) از سبک زندگی»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۵، بهار ۱۳۹۲.
- جان‌محمدی، حسین (۱۳۹۴). چلچراغ بندگی: سیری در سیره عالم مجاهد شهید آیت‌الله مدنی (ره)، همدان: نشر روزاندیش.
- دری نورگورانی، حسین (۱۳۹۳). «خاستگاه مبنایی و ضابطه درست‌آزمایی برداشت از اقتصاد مقاومتی»، مجله اقتصاد مقاومتی با رویکرد مدیریت جهادی، سال

- اول، پیش شماره، خرداد ۱۳۹۳.
- عربی، حسین (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»، سیاست کلان، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲.
  - حکیمی (۱۳۸۲). جامعه‌سازی قرآنی، قم: دلیل ما.
  - اخلاقی، حلیمه و دیگران (۱۳۹۴). «مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی طیبه از دیدگاه قرآن»، دو فصلنامه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، دورل سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
  - اسکندری، حمید (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی، تهران: بوستان حمید.
  - فاضل‌قانع، حمید (۱۳۹۲). سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)، قم: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
  - دیهیمی، خشایار (۱۳۸۱). مجموعه یادداشت‌های سیاسی: این‌ها خواهند بارید، تهران: طرح نو.
  - حسینی‌راد، رضا؛ نصیری‌زاده، حمیدرضا (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر نظام اقتصادی صدر اسلام، یزد: نور کوثر.
  - صیادی، رضا (۱۳۹۳). «در حال و هوای زندگی و برکت»، قدس فرهنگی (ویژه‌نامه فرهنگ و اقتصاد رضوی)، شهریور ۱۳۹۳.
  - الفت، سعیده؛ سالمی، آزاد (۱۳۹۰). «مفهوم سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره اول.
  - صدر، سیدرضا (۱۳۸۵). استقامت، به اهتمام: باقر خسروشی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
  - خانم‌های، سید علی (۱۳۹۱). معنویت و انقلاب اسلامی (لوازم، ضرورت‌ها، دستاوردها، عوامل سیاسی و افزایش) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای، تهران: مؤسسه قدر ولایت.
  - علوی‌منش، سید محسن (۱۳۹۲). «رویکردی به مفهوم و بایسته‌های جهاد اقتصادی»، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲.
  - قربی، سید محمدجواد؛ جعفری، علی اکبر (۱۳۹۲). «بازخوانی مفهوم سبک زندگی اسلامی ایرانی»، مجموعه مقالات همایش الگوی اسلامی ایرانی سبک زندگی، مازندران: دانشگاه مازندران.
  - قربی، سید محمدجواد؛ نیک‌روش، ملیحه (۱۳۹۴). «جایگاه و منزلت سبک زندگی مطلوب در تمدن نوین اسلامی و الگوی پیشرفت بومی»، مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۹، تهران: انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
  - قربی، سید محمدجواد، «سبک زندگی و پیشرفت پایدار»، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۷۱، خرداد ۱۳۹۲.
  - میرمدرس، سید موسی (۱۳۸۰). جامعه برین: جستاری در جامعه دینی و جامعه مدنی، قم: بوستان کتاب.
  - طباطبایی، سید مهدی (۱۳۹۳). «نقش اخلاق در سبک زندگی رضوی»، قدس فرهنگی (ویژه‌نامه فرهنگ و اقتصاد رضوی)، شهریور ۱۳۹۳.
  - احمد دنیا، شوقی (۱۳۸۹). برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم، ترجمه: محمد صفری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
  - پیوسته، صادق (۱۳۹۲). «سیالیت سبک زندگی در تقابل الگوها»، کائنات، شماره ۱۹۱۴، ۲۱/۰۷/۱۳۹۲.
  - خادمیان، طلیعه (۱۳۹۰). سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیپاچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان، تهران: موسسه فرهنگی و هنری جهان کتاب.
  - مهریزی، طیبه (۱۳۸۶). «بررسی میزان سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و رابطه آن با سبک‌های زندگی جوانان شهر تهران»، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه الزهراء.
  - پیغامی، عادل (۱۳۹۴). مدرسان اقتصاد مقاومتی، تهران: موسسه تربیت اسلامی.
  - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء.
  - فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۴). «جامعه مطلوب قرآنی (بررسی آرای استاد محمدرضا حکیمی در باره سرشت و مختصات مدنیت قرآنی)»، در: مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
  - اخترشهر، علی (۱۳۸۶). مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  - نظری، علی اشرف؛ سازمند، بهاره (۱۳۸۷). گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
  - حلبی، علی اصغر (۱۳۸۵). مبانی اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام، تهران: انتشارات زوآر.
  - مجدلی، علی اکبر (۱۳۸۹). «بررسی سبک زندگی جوانان ۱۵ الی ۲۹ ساله شهر مشهد»، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه فردوسی مشهد.
  - جابری، علی (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی، استخراج الگوهای اقتصادی بر اساس مبانی اسلامی است»، فصلنامه قبس، سال دوم، شماره هجدهم، آبان ۱۳۹۱.
  - شریعتی، علی (۱۳۸۵). چهار زندان، تهران: انتشارات قلم.
  - محمدی، علی (۱۳۷۳). آیت‌الله کاشانی؛ رایب استقالل، تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
  - غلامرضایی، علی اصغر (۱۳۸۹). «مبانی مصرف‌گرایی در دنیای جدید و اصول مصرف در اسلام با تأکید بر رسانه ملی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)، دوره هفدهم، شماره ۶۱، بهار ۱۳۸۹.
  - حمامی، غلامرضا (۱۳۹۲). روش اقتصاد اعتقادی: تضمینی برای زندگی آرامش‌بخش و خودکفایی در عصر تکنولوژی، قم: نشر آراسته.
  - عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۹۰). «عدالت اجتماعی و شاخص‌های توسعه در جامعه آرمانی اسلام»، در: کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی عدالت، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
  - امین‌پور، فرشته (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین ارزش‌های شوارتر و سبک زندگی مصرفی در بین شهروندان شهر تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
  - دانش‌نیا، فرهاد؛ توسلیان، زهرا (۱۳۹۲). «اقتصاد سیاسی رانتی‌پریم و امکان‌سنجی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات پیشرفت از منظر قرآن و حدیث، جلد دوم، قم: دبیرخانه حوزوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
  - قدیری، قادر (بی‌تا). «تأثیر اخلاق در اصلاح الگوی مصرف از منظر معصومین (ع)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
  - دری نجف‌آبادی، قربان‌علی (۱۳۹۴). امام سجاد(ع) در شش گفتار، تهران: مجمع جهانی اهل بیت(ع).

- سبکتکین، قربان‌علی و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی»، نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی واحد البرز، آذر ۱۳۹۲.
- بخرد، محمد (۱۳۹۳). «رابطه دین‌داری و سبک زندگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- رجب‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۱). «بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن»، فصلنامه سبک زندگی اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۱.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۹۰)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عابدی، محمد (۱۳۷۹). دفاع فرهنگی در سیره ابرار، قم: نشر معروف.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گریوانی، محمد (۱۳۹۴). «نقش فرجام‌اندیشی در کارآمدی اقتصادی»، معارف، شماره ۱۱۱، دی و بهمن ۱۳۹۴.
- قزل‌سغلی، محمدتقی؛ فرخی، سمیه (۱۳۹۳). «جهان زیست ایرانی و تأثیر آن در نهادمندی سبک زندگی»، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره اول، شماره دوم، بهار ۱۳۹۳.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۹۲). «اولویت‌های تحقق سبک زندگی اسلامی»، ماهنامه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۶، خرداد ۱۳۹۲.
- باهنر، محمدجواد؛ هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). جهان در عصر بعثت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۷). آنگاه که خورشید می‌وزد، مقدمه و تدوین: امیرمهدی حکیمی، قم: دلیل ما.
- ترابزاده جهرمی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۲.
- علی‌دوست، محمدعلی (۱۳۹۴). فقر و زهد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سلیمی‌فر، مصطفی؛ مطلبی، موسی (۱۳۹۴). جامعه مطلوب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت.
- بیلاوی، المیاسه (۱۳۹۳). «بررسی مهارت‌های زندگی از منظر نهج‌البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول دین.
- حسن‌دوست فرخانی، هادی و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی الگوی آرمانی سبک زندگی از دیدگاه مکتب اسلام»، ماهنامه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۶، خرداد ۱۳۹۲.
- صباچی، الهام (۱۳۹۲). «بررسی معنای زندگی و تأثیر آن بر سبک زندگی از منظر فلسفی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- بنی‌اسدی، هما (۱۳۹۳). «سبک زندگی براساس آموزه‌های تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۲/۰۳/۱۸.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در محفل انس با قرآن در روز اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴ق، ۱۳۹۲/۰۴/۱۹.
- پیام رهبر انقلاب اسلامی به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸.
- Chaney, David (1996). *Lifestyles*, London: Sage Publication.